



# کانون

ماهنامه

## کانون دمکراتیک پناهندگان

دوره دوم - شماره دو - نوامبر ۲۰۱۱



### سرمقاله



خسرو حسینی

### اتحاد و مقابله با سیاست های جنگ طلبانه جمهوری اسلامی

با مروری بر اخبار و رویدادهای چند هفته اخیر، متوجه شدت و عمق تهدیدها علیه جمهوری اسلامی از جانب دولتمردان کشورهای غربی می شویم که بیاتگر و خامت اوضاع و احتمال برخورد نظامی با ایران می باشد.

گرچه برخی شخصیت های سیاسی و نظامی غربی میخوانند بحث حمله نظامی به ایران را منتفی تلقی کنند، اما واقعیت این است که بارها توسط مقام های بلند پایه سیاسی و نظامی غربی این مسئله مورد تاکید قرار گرفته است. صرف نظر از آنچه از نظر غرب می گذرد و مستقل از اینکه در معادلات غرب، مواجهه نظامی با حاکمیت خودکامه و مستبد ایران، در کدام نقطه قرار گرفته، نکته مهم چگونگی واکنش قدرتهای حاکم در جمهوری اسلامی با وضع بحرانی کنونی است.

ادامه مقاله در صفحه ۲



### فراخوان به تظاهرات

### به مناسبت فرارسیدن روز جهانی حقوق بشر

### در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران

دهم دسامبر روز جهانی حقوق بشر فرا می رسد، ما بمناسبت همین روز در تاریخ شنبه ۱۰ دسامبر گردهم می آئیم و فریاد اعتراض علیه نقض آشکار حقوق اولیه انسانی و احکام اعدام در ایران را به گوش جهانیان می رسانیم.

رژیم جمهوری اسلامی برای حفظ بقای خود، کمر به نابودی مخالفانش بسته است. ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر، فرصت مناسبی است تا رژیم جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر از طریق افکار عمومی جهان تحت فشار قرار دهیم و نگذاریم این جنایات زیر سایه مسائلی چون مناقشات هسته ای به فراموشی سپرده شوند.

ما از تمامی مدافعین حقوق بشر دعوت می کنیم، با هم به مناسبت این روز جهانی به دفاع از زندانیان سیاسی که در آستانه اعدام قرار گرفته اند، به سرکوب و فشار علیه فعالین جنبش زنان، کارگران و دانشجویان و علیه مجازات اعدام در نظام اسلامی، اعتراض کرده و توطئه رژیم برای نابودی مخالفینش را در زندان ها و خیابان ها، خنثی کنیم و برای اعلام وحدت مبارزاتی با کارگران، زحمتکشان، روشنفکران، دانشجویان و آزادیخواهان ایران بار دیگر تجدید پیمان کنیم.

شرکت در این تجمع اعتراضی نشان می دهد که پیوند انسانی، تاریخی و مبارزاتی با مردم اسیر ایران با همه توان ادامه دارد و نشان دهنده مسئولیت اجتماعی ما در قبال آنان است.

زمان : شنبه ۱۰ دسامبر ۲۰۱۱ - از ساعت ۱۴ الی ۱۶

مکان : زوریخ Rathausbrücke

کانون دمکراتیک پناهندگان

هزینه های تسخیر سفارت آمریکا صفحه ۳

انفجار در پایگاه موشکی تهران صفحه ۴

نظام جمهوریت یا نظام پارلمانی؟ صفحه ۶

اتحادیه اروپا و تصمیم تشدید تحریم ها علیه رژیم صفحه ۷

تحریم های سونیس علیه رژیم ایران صفحه ۱۰

قطعه نامه شورای حکام در مورد رژیم تهران صفحه ۱۰ و ۱۱

زمره های حمله نظامی به ایران صفحه ۱۲

اثرات مبهم تحریم های اقتصادی در روند کشورها صفحه ۱۳

رقابت پوچ و توخالی مجلس نهم صفحه ۱۴

مشکلات پناهندگان ایرانی در شهر زلزله زده وان صفحه ۱۵

متقاضیان پناهندگی به سونیس حقه میزنند! صفحه ۱۶

گر لاف عشق می زنیم صفحه ۱۷

محمدتقی بهار، اندیشه ای که خزان نداشت صفحه ۱۸

بدانیم، بیاندهیشیم، بپاخیزیم!

## خسرو حسینی

## اتحاد و مقابله با سیاست های جنگ طلبانه جمهوری اسلامی

با مروری بر اخبار و رویدادهای چند هفته اخیر، متوجه شدت و عمق تهدیدها علیه جمهوری اسلامی از جانب دولتمردان کشورهای غربی می شویم که بیانگر وخامت اوضاع و احتمال برخورد نظامی با ایران می باشد. گرچه برخی شخصیت های سیاسی و نظامی غربی می خواهند بحث حمله نظامی به ایران را منتفی تلقی کنند، اما واقعیت این است که بارها توسط مقام های بلند پایه سیاسی و نظامی غربی این مسئله مورد تاکید قرار گرفته است. صرف نظر از آنچه از نظر غرب می گذرد و مستقل از اینکه در معادلات غرب، مواجهه نظامی با حاکمیت خودکامه و مستبد ایران، در کدام نقطه قرار گرفته، نکته مهم چگونگی واکنش قدرتهای حاکم در جمهوری اسلامی با وضع بحرانی کنونی است. ارزیابی نوع نگاه صاحبان قدرت در ایران به جنگ و تشدید بحران های کنونی تا سقف رویارویی نظامی، بسیار مهم خواهد بود. غرق کردن ایران در جنگی که حاکمیت پر تضاد و تنش جمهوری اسلامی آن را یک بازی سیاسی موقت تلقی کرده است و وسوسه هولناک مقابله با دشمن و استکبار جهانی در یک رویارویی نظامی محدود، می تواند برای منافع ملی و تمام کشورهای منطقه و جهان غرب، هولناک باشد. با نگاهی گذرا به سالهای گذشته میتوان جنگ افروزی و اعتقاد به سیاستهای نظامی را در تفکر سیاستمداران جمهوری اسلامی مشاهده کرد، در آخرین سالهای جنگ ایران با عراق بود که عده ای با دیدگاه مخالف توقف جنگ که در جرگه آنها علی خامنه ای قرار داشت، توانستند خامنه ای را رهبر جمهوری اسلامی تلقی کنند. آن مخالفت ها، آن خود بزرگ بینی ها، آن تفکرات نظامی گری سرانجام منجر به تبدیل سپاه پاسداران بعنوان ابزاری در دست خامنه ای برای تدوین سیاست های جنگی و نظامی گردید و تمام امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی کشور به این سیاست پیوند خورد. دست هایی در درون حاکمیت جمهوری اسلامی به ادامه سیاست جنگی کمک می کنند، که طی سال ها، چنان خامنه ای را توانسته اند متوهم کنند که او تصور می کند رهبری جهان اسلام را برعهده دارد و سپاه پاسداران، از قوی ترین ارتش های دنیا میباشد و گروهی که به رهبری خامنه ای در راس قدرت استبدادی میباشند، براساس یک سیاست و تفکر نظامی، احمدی نژاد را برای ادامه همین سیاست ها با کودتای خرداد ۸۸ بر سر کار آوردند. در طول تاریخ هیچ جنگ و حمله نظامی

با هدف انساندوستانه و با نجات بشریت صورت نگرفته است. انگیزه تمام جنگ ها چنگ اندازی به منابع و گسرتش منافع نامشروع قدرت های جهانی بوده است. به همین دلیل، حمله به ایران نیز مستثنی از این تجربه تاریخی نیست. همچنان که نقش حاکمیت جمهوری اسلامی یا حاکمیت هایی که جنگ را به کشور و مردمشان تحمیل کردند در این زمینه سازی جدا نیست.

امروز نه دعوت امپریالیسم جهانی به جنگ و زورآزمایی، بلکه جلوگیری از جنگ و زورآزمایی مترقی ترین و موثرترین سلاح مقابله با آنهاست. با این سلاح، می توان فرصت های مانور را از آنها گرفت. این سیاست در ارتباط با اوضاع بحرانی ایران نیز صادق است. یعنی نباید اجازه داد حاکمیت کنونی برای فرار از بحران همه جانبه و از جمله بحران مشروعیتی که گریبانش را گرفته، با برافروختن یک جنگ و یا زمینه سازی برای حمله نظامی به ایران، از این بحران حتی بطور موقت خود را نجات بدهد. بنابراین، جنگ و سیاست جنگی، چه از جانب قدرت های امپریالیستی جهان و چه از جانب حاکمیت کودتائی ایران بسیار هولناک و فاجعه آمیز است. این تصویری خام است که امریکا چون دچار بحران اقتصادی و سیاسی است، توان زورآزمایی با جمهوری اسلامی را ندارد. و از آن خام تر این تصور است، که از اقدام نظامی کوتاه مدت آنها که به شکست فوری شان خواهد انجامید، می توان برای حل مسئله قدرت در داخل جمهوری استفاده کرد. این دیگر، تاریخی ترین توهم و اشتباهی است که رهبران نظامی و غیر نظامی کنونی جمهوری اسلامی بدان دچار شده اند. از طرفی دیگر برخی از نیرو های مخالف حکومت اسلامی با اندیشه مقایسه وضعیت ایران و لیبی، فاجعه لیبی را که بدست قذافی آفریده شد مستمسک قرار داده اند و دخالت توسط غربیان را راهی درست میدانند در حالیکه قذافی می توانست از این فاجعه جلوگیری کند. کما اینکه جمهوری اسلامی می تواند با تن دادن به خواست مردم، و با متوقف کردن موقت پروژه اتمی خود و شفاف سازی آن خطر جنگ و موانع و مشکلات اقتصادی و صنعتی ایران را برطرف نماید. ولی حیات رژیم ایران در بحران ممکن است. آنها نه می توانند تغییرات را بپذیرند و نه این رژیم بدون تغییرات دوام خواهد یافت. بحران و بحران آفرینی ضامن بقای آنها و عامل افول روز افزون ایران است. اما ما باید بخوبی بدانیم که اشغال لیبی و سلاح هایی که در آنجا به کار برده شد، تمرینی بود برای حوادث آینده، هر اندازه بحران اقتصادی در جهان سرمایه داری تشدید می شود، خطر ادامه این نوع تمرین ها برای واقعه بزرگتر بیشتر می شود. از جمله، خطری که اکنون سوریه را تهدید می کند و

غفلت و فرصت سوزی حاکمیت آن کشور برای آشتی ملی و اصلاحات مترقی و مردمی این خطر را لحظه به لحظه بیشتر می کند. اظهارات و تهدید های تبلیغاتی بشار اسد، به آسیاب این خطر آب سرازیر می کند، بطوریکه در ایران نیز وضع بدینگونه است. یعنی هر اندازه نظام حاکم بر طیل جنگ و مقابله نظامی و ادامه سیاست جنگی از یکسو و سرکوب مردم از سوی دیگر می کوبد، فاجعه را نزدیکتر می کند، و جمهوری اسلامی اکنون راه حل گریز آنها از بحران موجودشان میباشد، همچنان که مخالفت با جنگ و جنگ افروزی در خدمت جنبش اجتماعی چه در ایران و چه در کشورهای بزرگ سرمایه داری است. حمله نظامی توسط اسرائیل و یا دخالت در امور ایران شبیه قضیه لیبی، هر دو در عمل و نهایتا به سود استبداد حاکم در ایران تمام می شود. وظیفه روشنفکران است که واقعیت ها را بیان کنند، نه اینکه با ایجاد ترس، ذهنیتی بسازند که مردم تن به بقای استبداد، حکام فاسد و سرکوبگر بدهند.

راه حل بحران کنونی و راه حل مقابله با حمله نظامی به ایران، نه قدرت موشکی و اتمی است و نه تمرکز بیشتر قدرت استبدادی، بلکه راه حل، خاتمه استبداد و جلوگیری از نهادینه شدن آن، و بازگشت از راه پیموده شده در راه سیاست نظامی و جنگی است. ادامه این سیاست سمی مهلک برای ایران میباشد. سازمان ملل نباید مردم بی دفاع را در برابر تهدیدهای دیکتاتورهای بی رحمی چون قذافی و اسد و صالح و خامنه ای، تنها بگذارد، با مداخله بشردوستانه به شکلی عملی از اجرای بیانیه حقوق بشر سازمان ملل متحد اقدام نماید و آزادی و دموکراسی را رواج دهد، برقراری آزادی و دموکراسی در کشورهای دیکتاتور زده بهانه ای برای قدرت های بزرگ باقی نمی گذارد که فجایع ضد بشری مانند حمله به عراق را بوجود آورند. تغییر سیاست نظامی و جنگی حاکم در جمهوری اسلامی به اراده و واقع بینی نیازمند است که باید مردم را علیه آن بسیج کرد، پیش از آن که این سیاست به ویرانی زیربناهای در ایران بیانجامد که متعلق به نسل ها ایرانی است و انسجام و وحدت ارضی را متلاشی کند که یادگار ایران باستان است، امروز صحبت بر سر جلوگیری از فاجعه ایست که ادامه سیاست نظامی- اتمی که تمام استخوانبندی جمهوری اسلامی را شامل شده می تواند به بار آورد، باید مردم را با شعار علیه سیاست های جنگ و جنگ افروزی هدایت کرد و با اتکاء به آن، حاکمیت و شخص علی خامنه ای بعنوان سکندار سیاست جنگی- اتمی را به عقب نشینی و ادار ساخت.



**بدانیم، بیانیشیم، بپاخیزیم!**

### تسخیر سفارت آمریکا چه هزینه‌ای برای ایران داشت؟

از جهات مختلف این اتفاق برای ما هزینه داشت. یکی از آنها قرارداد الجزایر بود. اگر مفاد پیمان‌نامه را بررسی کنیم می‌بینیم که تا چه حدی به زیان ایران است. بر اساس این قرارداد بود که آمریکا اقدام به قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی با ایران کرد و اموال و دارایی‌های ایران بلوکه شد. همچنین تمامی محموله‌های تسلیحاتی خریداری شده توسط ایران که بهای آنها نیز پرداخت شده بود و هنوز در آمریکا بودند را به ایران تحویل نداد. هرچند این پیمان‌نامه ضرر کمی نبود اما ضرر بزرگ دیگر، وقوع جنگ هشت ساله بین ایران و عراق بود. هشت سال جنگ ضرر کمی برای ما نداشت.



عده‌ای از موافقان تسخیر سفارت آن روزها می‌گفتند: «سفارت آمریکا می‌خواهد به ما ضربه بزند.» اما تسخیر سفارت نتوانست جلو این ضربه‌ها را بگیرد. آمریکا، عراق را برای جنگ با ایران تحریک و هشت سال از آن کشور علیه ایران حمایت کرد و از آن طریق به ما ضربه زد. از سوی دیگر مقدار زیادی اسلحه و مهمات که در دوره شاه خریداری شده بودند در انبارهای مختلف در ایران نگهداری می‌شد. آمریکا و دیگر ابر قدرت‌های منطقه از آن وحشت داشتند که آن میزان سلاح در اختیار دولت تازه تاسیس ایران بماند. طی جنگ تمام آن سلاح‌ها مصرف شد. پول‌هایی که در سفارت ایران در آمریکا وجود داشت و بعد از تسخیر سفارت از سوی آمریکا بلوکه شد. وقتی شورای امنیت، حکومت اسلامی ایران را محکوم کرد، مواضع دولت آمریکا آنچنان تقویت گردید که دست به اقدامات تلافی جویانه زد.

محسوب می‌شد ولی از منظر سیاسی در آن شرایط حساس انقلابی عملی بشدت نسنجیده و محاسبه نشده علیه انقلاب و منافع ملی ما بود.

موضوع حمله به سفارت آمریکا، یا هر کشور دیگری به دور از روابط دیپلماتیک بین کشورهاست، سفارت هر کشوری ملک آن کشور به حساب می‌آید. تسخیر سفارت آمریکا به تصویب هیچ گروهی از گروه‌های فعال آن روز کشور نرسیده بود. اینجا این سوال مطرح است که آیا یک گروهی بطور احساسی به عنوان اینکه تشخیص بدهد کاری خوب است و تمام کارشکنی‌های آمریکا را در سال‌های گذشته تلافی می‌کند حق دارد تصمیمی با این همه عواقب برای همه مردم ایران بگیرد و آن را خلق‌الساعه به اجرا بگذارد؟

به تعبیر یکی از مسئولین آن زمان در دولت موقت مهندس بازرگان: جو آن روز جامعه ایران شاید به دلیل زود به سرانجام رسیدن انقلاب، به گونه‌ای بود که مردم می‌خواستند تمایلاتشان خیلی زود جامه عمل به خود بپوشد. اما سوال از آن روز و تا به امروز این است که عده‌ای دانشجو چه اختیاری داشتند؟ با چه کسی مشورت کرده بودند؟ چه کسی به آنها مجوز داده بود؟ اگر شرایط زمانی و مکانی آن سال‌ها را در نظر بگیریم درست‌تر می‌توان فهمید که چرا این حرکت ناسنجیده بود، وجود تعدد مراکز تصمیم‌گیری در آن زمان نه تنها در مورد مسایل دیپلماتیک بزرگترین صدمه را به کشور زد در حوزه مسایل سیاسی، اقتصادی و غیره هم وضع به همین گونه بود.

با وجود مراکز مختلف تصمیم‌گیری و طلب مالی ایران از آمریکا بابت خرید اسلحه دلیلی برای بستن سفارت و تسخیر آن وجود نداشت. زمانی باید سفارت یک کشور تعطیل شود که رابطه فی‌مابین دو کشور قطع شده باشد. اما با کاری که دانشجویان کردند عملاً ایران با آمریکا قطع رابطه نکرد؛ بلکه آمریکا بود که با ایران قطع رابطه کرد.

### هزینه‌های تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و تاثیر آن بر روند سیاست ایران در سه دهه



حدود سی سال پیش، روز سیزدهم آبان ماه ۱۳۵۸ خورشیدی برابر با ۴ نوامبر ۱۹۷۹ میلادی، راهپیمایی بزرگی در مقابل ساختمان سفارت آمریکا در تهران برگزار شد.

راهپیمایان خواستار استرداد شاه سابق از آمریکا به ایران بودند. محمدرضا شاه پهلوی، برای درمان پزشکی به آمریکا سفر کرده بود. گروهی از تجمع‌کنندگان موسوم به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به ساختمان سفارت آمریکا هجوم بردند و تمام کارمندان حاضر در سفارتخانه را به گروگان گرفتند، در جریان تصرف سفارت آمریکا، ۵۲ کارمند و دیپلمات حاضر در این سفارتخانه، به گروگان گرفته شدند.

بر این اساس، اشغال سفارت آمریکا در تهران و اسارت کارکنان آن، از مهمترین وقایع پس از انقلاب ایران واز پرسرو صداترین رویدادهای تاریخ دیپلماسی قرن بیستم بوده است، خمینی که بلافاصله این اقدام دانشجویان را در اشغال سفارت آمریکا نه تنها مورد تایید قرار داد، بلکه آن را «انقلاب دوم» نامید. اینک پس از حدود سی سال وقتی به آن حادثه فکر می‌کنیم از آبان حوادثی تاریخی را در خاطره خود داریم که مهمترین آن شاید گروگان‌گیری سفارت آمریکا باشد، گروگان‌گیری سفارت آمریکا در اوایل انقلاب اگر چه غرور و عملی انقلابی بخاطر ذهنیتی که از آمریکا داشتیم

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## انفجار در پایگاه موشکی تهران یک جابجایی یا تشدید اختلافات در سپاه پاسداران؟



این روزها خبر انفجار مهیب در پایگاه موشکی سپاه پاسداران در تهران به گوش جهانیان رسیده و مشکل میتوان تصور کرد که حتی یک ایرانی در داخل و خارج از کشور اخبار مربوط به انفجار تهران را نشنیده باشد. و دشوار میتوان باور کرد که مردم آنچه را که حکومت اسلامی بعنوان خبر رسانی اعلام کردند پذیرفته باشند. سیل شایعه و حدسیات همراه با تحلیل و تفسیرهایی که در جامعه پخش است خود بزرگترین شاهد این ادعاست.

چند روز قبل از انفجار در پایگاه موشکی و مهمات سپاه پاسداران، شاهد واکنش تند خامنه ای نسبت به وقوع حمله نظامی به ایران از جانب اسرائیل و سایر دول غربی بودیم و این واکنش او در راس تمام اخبار خبرگزاریها قرار گرفت بطوریکه تصور میشد بر اساس سوابق و روحیات جنگ طلبانه سران حکومت اسلامی ایران، مسئله در مرحله ای جدی میباشد و برای جلوگیری از اقدامات آنها و زهر چشم گرفتن از آنها دست به اقدامی عجولانه بزنند. مردم ایران همچنان نگران از وضعیت در پیش روی نظاره گر سیر حوادث میباشد.

این انفجار پس از چند روز از سخنرانی خامنه ای آنقدر سریع اتفاق افتاد که تماما" ایرانیان در شوک بسر میبرند و با اخبار ضد و نقیضی که به مردم میدهند انتظار دارند که آنها باور بکنند و از آنها بپذیرند که مسئله ای بسیار ساده بوده است.

اول را داشتند و تقریباً همگی بعد از عناصر موثر سیاسی و چهره های شاخص حکومت اسلامی شدند. برخی سعی کردند از آن واقعه دوری کنند و به طور تلویحی آن را یک خطای سیاسی بنامند. اما بیش تر سعی شان بر این است که آن را شامل زمان بدانند و توجیه شان حال و هوای انقلابی آن روزگار است تا از این طریق از خود رفع مسئولیت کنند.

اما بنوعی این واقعه در آن دوره به تثبیت حکومت اسلامی کمک کرد این حادثه مناسبات قدرت را به نفع یک جریان سنت گرا تغییر داد. بطوریکه در بطن اشغال سفارت آمریکا هر تلاش و فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سکولار و آزادخواهانه به بهانه همکاری و هم جویی با آمریکا و ضد انقلاب بودن، سرکوب شد. و از سوی دیگر با اشغال سفارت آمریکا، حکومت اسلامی یک دشمن خارجی تراشید که در آن زمان مردم ایران نفرت زیادی از این دشمن، یعنی دولت آمریکا داشتند؛ چون که سالهای زیادی مدافع حکومت شاه بود و تا حدودی موقعیت خود را با این سیاست تثبیت کرد.

اکنون نزدیک به سه دهه ای که از اشغال سفارت آمریکا و قطع روابط دیپلماتیک دو کشور می گذرد، هر رویداد قابل توجه و مرتبط با منافع ایران، به شکلی متأثر از میزان دشمنی حکومت اسلامی و آمریکا بوده است، پرونده فعالیت های اتمی، بحث حقوق بشر، اصلاحات، منازعات مرزی بر سر جزایر جنوب و در دریای مازندران در شمال کشور، تروریسم، روند صلح خاورمیانه، حضور در سازمان تجارت جهانی، دسترسی به تکنولوژی نوین، تحریم اقتصادی و سرمایه گذاری در صنعت نفت و غیره تنها مواردی از فهرست بلندبالایی هستند که مستقیم و غیرمستقیم در پیوند با کمکش و رقابت و رابطه ایران و آمریکا است و منتقدان بر این باورند که در مقابل یک گروهانگیری اکنون حدود سه دهه است که دست کم بخشی از منافع ایران، تحت تاثیر این گروهان گیری بوده است.

## ادامه مطلب: تسخیر سفارت آمریکا

از سویی اشغال سفارت آمریکا، برای دولت آمریکا هم فرصتی را فراهم کرد که افکار عمومی را در غرب بر علیه ایران بشوراند و با ترساندن کشورهای منطقه، پایگاههای نظامی بیشتری را در کشورهای حوزه خلیج فارس تاسیس کند.



جیمی کارتر رییس جمهوری وقت آمریکا، نه تنها استرداد شاه را رد کرد، بلکه به قصد فشار برای آزادی گروگانها، دو هفته بعد رییس جمهوری تمام دارایی های ایران را که رقمی در حدود ده میلیارد دلار در بانک های آمریکایی بود، مسدود کرد.

کارتر، واردات نفت را از ایران را دو روز پیش از این دستور ویژه متوقف کرده بود. وی، دست به تحریم ایران زد که تقریباً بسیاری از کشورها نیز آن را پذیرفتند، بنابراین در اثر این اقدام احساساتی، میلیاردها دلار ثروت ایران در آمریکا بلوکه شد، جنگی روی داد که صدها هزار کشته و معلول از ایران و عراق و تقریباً فقط هزار میلیارد دلار هزینه برای ایران برجای گذاشت. تحریم اقتصادی به ایران تحمیل شد و میلیاردها دلار دیگر به اقتصاد ایران ضرر زد که می توانست در جهت رفاه عمومی مردم به کار گرفته شود.

تحلیل ها و ارزیابی های گوناگونی در میان کسانی که در اشغال سفارت آمریکا، نقش

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## ادامه مطلب: انفجار در پایگاه موشکی تهران

احتمال می‌رود که حادثه هنگامی روی داده است که می‌خواستند بعنوان واکنش عملی سخنرانی خامنه‌ای و نشان دادن قدرت پاسخ به حمله نظامی، یک موشک تازه را شلیک کنند. در سی سال گذشته جمهوری اسلامی معمولاً هر خرابکاری را به اسرائیل و آمریکا نسبت می‌داد. این بار اما قضیه برعکس شده؛ رسانه‌های اسرائیل اصرار دارند که انفجار پادگان سپاه کار دولت آنها بوده اما جمهوری اسلامی انکار می‌کند، آنها این بار کسی را بعنوان عامل نفوذی و یا عوامل صهیونیست معرفی نکردند شبیه ترور چندین متخصص هسته‌ای که در طی چند ماه و سال گذشته اتفاق افتاد. زیرا اگر چنین می‌کردند باید پاسخ میدادند که این عوامل چگونه تا نخاع ستون فقرات نظام رخنه کرده اند؟ اما بنظر می‌رسد که ایندفعه واقعا" بر خلاف گفته‌های آقایان که سعی در مخفی کردن قضیه دارند و آنرا یک اشتباه فردی و جابجائی می‌خواهند تلقی بکنند بر اساس اظهارات یک مقام امنیتی غربی، موساد سرویس امنیتی اسرائیل، این عملیات را به طور پنهانی حمایت کرده است.

این مقام امنیتی همچنین به تایم گفته که خرابکاری‌های عمدی دیگری برنامه‌ریزی شده تا مانع رسیدن ایران به توانایی تولید سلاح اتمی شود و این انفجار می‌تواند در اثر یک عملیات نظامی باشد که بر اساس اطلاعات سازمان‌های امنیتی انجام شده است.

طبق گفته‌ها از حدود یک سال پیش به این سو، سه متخصص هسته‌ای ایران ترور شده‌اند که مقامات جمهوری اسلامی از آنها با عنوان دانشمند هسته‌ای یاد می‌کنند. فرد دیگری نیز مورد سوء قصد قرار گرفت اما زنده ماند. در تمامی این چهار مورد، حکومت اسلامی این سوءقصدها را نقشه برنامه‌ریزی شده‌ی سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل عنوان کرد. اسرائیل در مقابل این اتهامات اما سکوت اختیار کرد، هرچند نیز این ترورها را طراحی شده توسط اسرائیل نیز میتوان دانست. این بار که رسانه‌های اسرائیلی خود اعلام کرده‌اند، انفجار در پادگان سپاه، عملیات موساد بوده، مقامات جمهوری اسلامی آن را تکذیب می‌کنند و آن را جنگ روانی میدانند. در ابتدا

مسئولین ایرانی اعلام کردند که انفجار در انبار مهمات بر اثر یک حادثه که جابجائی مهمات بوده، صورت گرفته است. انفجاری که شعاع ارتعاش آن تا ۵۰ کیلومتری محل واقعه ضبط شده و دود سفید ناشی از آن بخشی از آسمان تهران را پوشاند.



انفجاری که درست در زمانیکه سیر حوادث بسوی یک جنگ احتمالی پیش می‌رود. اما پس از چند روز مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی اعلام میکنند که سردار تهرانی مقدم مسئول پایگاه موشکی سپاه پاسداران که هنگام انفجار در آنجا حضور داشته و بر اثر انفجار کشته شده است مشغول کارهای علمی تحقیقاتی بوده و نتیجه این تحقیقات مشتی محکم بر دهان آمریکا و اسرائیل است، این اظهارات در حالی بیان می‌شود که بلافاصله پس از انفجار، در روز ۲۱ آبان، مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران علت این انفجار را جابه جایی انبار مهمات اعلام کرده بود. و رئیس کمیته امنیت داخلی مجلس نیز در سخنانی به نقش حسن مقدم در پیشرفت‌های نظامی ایران اشاره کرده و گفته اگر اسرائیل به ایران حمله کند، آنوقت از نزدیک شاهد خلق فرصت‌هایی خواهد بود که سردار مقدم برای جمهوری اسلامی ایجاد کرده است. اینکه حسن تهرانی مقدم با وظایف و نقش‌هایی که هم‌اکنون برای او تعریف شده، تنها برای نظارت بر جابه‌جایی مهمات در پادگان ملارد حضور داشته، به نظر تحلیلگران غربی کمی غیرواقعی است. شاید به همین دلیل بود که رسانه‌های اروپا و آمریکا به انتشار مطالبی به نقل از سرویس‌های امنیتی غربی پرداختند که مدعی بودند موساد در این عملیات دست داشته است. اکثر این گزارش‌ها بر این نکته استوار بود که حضور حسن تهرانی مقدم در زمان انفجار خود می‌تواند دلیلی بر انجام یک

عملیات بوده باشد. هرچند که حکومت اسلامی این ادعا را به شدت رد کرده است. با وجود تمامی این تکذیب‌ها، رسانه‌های غربی همچنان تحلیل‌ها و مقالاتی را منتشر می‌کنند که پایه آنها بر این فرض استوار است که انفجار پادگان ملارد نمی‌توانسته تنها یک حادثه باشد. با اتفاق انفجار زاغه مهمات تهران و حوادثی از این قبیل که در روزهای قبل از وقوع حادثه انفجار رخ داده است از قبیل: دستگیری بخشی از اعضای سپاه پاسداران، نقص فنی و فرود اضطراری هواپیمای حامل محسن رضائی از مشاورین ارشد نظامی خامنه‌ای، دیدارهای اخیر محسن رضائی در مشهد،... که با بررسی آنها میتوان به اختلافات و سیر حوادث درون حکومت اسلامی پی برد و بازتاب آن در زندگی روزمره مردم ایران که بسیار نگران از وقوع جنگی خانمانسوز و پر هزینه میباشند بطوریکه انفجار تهران نشان داد که مردم تا چه حد از حمله به ایران وحشت دارند و پذیرفته اند که چنین فاجعه ای هر لحظه محتمل است.

بازتاب حادثه انفجار در یکی از پایگاه‌ها و پادگان‌های سپاه در اطراف تهران در میان مردم، نشان داد که مردم بسیار فراتر از آنچه تصور می‌شد نسبت به حمله نظامی به ایران و آغاز جنگی ویرانگر هوشیار و نگرانند و طبیعی است که این هوشیاری با آگاهی از سیاست‌های نظامی حاکمیت در پیوند است. این حادثه و این بازتاب را باید در جهت اتخاذ شعار علیه جنگ و جنگ افروزی و سیاست جنگی حاکمیت هدایت کرد و با اتکاء به آن، حاکمیت و شخص علی خامنه‌ای بعنوان سردمدار سیاست جنگی- اتمی را به عقب نشینی وادار ساخت. اما اگر انفجار ناشی از اختلافات در داخل سپاه پاسداران باشد این پرسشها مطرح است که: آیا در سپاه کسانی مخالف سیاست‌های نظامی و جنگی اند؟ آیا کسانی می‌خواهند در برابر باندهای مخوف سپاه بایستند؟ آیا طبق گفته‌های پیشین، مقامات حکومت اسلامی وجود نفوذی‌های اسرائیل و نقش آنها باعث وقوع چنین حادثه ای شده است؟ و یا آیا جناح احمدی نژاد نقشی در امور بوجود آمده دارند؟ سیر حوادث در ایران چنان سریع است که پاسخ به این سئوالات به درازا نخواهد انجامید.



**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## نظام جمهوریت یا نظام پارلمانی؟



با توجه به بحث تبدیل نظام انتخاباتی کشور از جمهوری به پارلمانی طی روزهای اخیر که در راس اخبار انتخاباتی کشور قرار دارد، در واقع حذف انتخابات ریاست جمهوری، میتواند گذر از نظام ریاستی و رفتن به نظام پارلمانی باشد که البته این تغییر مستلزم برگزاری رفراندوم میباشد. با اعلام این خبر توسط خامنه ای بطور رسمی طی سفری که به شهر کرمانشاه داشت، بلافاصله پس از او، مقامات پائین دست او بر اساس برنلمه از پیش تعیین شده نیز از همین اصطلاح برای حمایت از طرح او استفاده کردند. از جمله سخنگوی شورای نگهبان گفته است که عبور از نظام ریاستی و رفتن به سوی نظام پارلمانی کلی از مشکلات کشور را حل کند. بحث پارلمانی یا ریاستی که مطرح می شود اصل این است که آیا مردم سالاری هست یا نه؟ اگر باشد شکل آن مشکل ندارد ولی اگر نباشد هر کدام ممکن است مشکل داشته باشد، مشکل این است که چقدر رای مردم موثر است؟ چقدر مردم میتوانند اظهار نظر کنند؟ چقدر اظهار نظر و رای آنها تاثیر گذار در سرنوشت جامعه است این مساله مهمی است. چقدر نهادهایی که می خواهند حکومت کنند برآمده از آرای جامعه و کل جامعه هست؟ این را باید مورد توجه قرار داد این مساله مساله مهمی است.

انتخابات قلب مردم سالاری است و انتخابات یعنی همه مردم با همه سلايق با همه گرایش ها با همه قومیت ها با همه سلیقه ها و گرایش های اعتقادی و سیاسی که بتوانند شرکت کنند و رای بدهند. تنوع قومی و فرهنگی یک واقعیت است و احترام به حقوق و جایگاه اقوام و فرهنگ ها باید رعایت

شود، نهادهایی که روی کار می آیند در مقابل مردم مسئول باشند و مسئولیت خودشان را باید بشناسند و این مسئله مورد خواست است. در حال حاضر توازن قدرت به گونه ایست که تغییرات به سود کانون قدرت می باشد و نه مردم، در واقع خامنه ای برای خود در بار شاهی درست کرده است و همه گونه دستور برای اجرا صادر میکند که این تغییرات در همان راستا میباشد.

مسیری که او طی کرده است، بصورت طبیعی می بایستی به همینجا می رسید که اکنون رسیده است. یعنی در واقع با بررسی موضوع چند فرضیه قابل تامل وجود دارد، حکومت اسلامی با توجه به اختلافات درون خودش و باندهای مختلف قدرت و با تجربه ای که از انتخابات سال ۱۳۸۸ دارد و نگرانی از اتفاقات در پیش روی با توجه به انتخابات آتی مجلس در اسفند ماه برای بدست گرفتن اهرم قدرت بطور کامل در دست بدنبال راه حلی مناسب میگردد و چه راهی بهتر از تغییر نظام مملکتی از جمهوریت به پارلمانی میتواند باشد، با نگاهی از زاویه دید جناحهای قدرت در درون حاکمیت به فرضیه های احتمالی میتوان رسید، ۱- سران حکومت اگر می خواستند تن به اجرای قانون اساسی که خودشان وضع کرده اند بدهند باید تکلیف خامنه ای را روشن میکردند، طبق همان قانون باید با توجه به عملکرد ضعیفش و عدم داشتن عدالت با توجه به اتفاقات پیش آمده حداقل در دو سال گذشته او را کنار می گذاشتند. ۲- بنا به دلایلی که در درون خود آنها مطرح است مثلاً "مثل حفظ نظام اسلامی و... که می گویند اگر او را میخواستند بعنوان رهبر اسلامی حفظ بکنند و در راس امور باقی بماند می بایستی حدود اختیارش را محدود بکنند و در چارچوب قانون اساسی باشد و خود مختارانه عمل نکند و به جناحین مختلف قدرت سهم دهی بکند ۳- از همه محتمل تر نگرانی و ترس از اتفاقات در پیش روی و در گیر شدن با آنچه که دو سال پیش تجربه کرده اند منتها با زاویه ای و شبیه تند تروشکننده تر. چه گزینه ای میتواند بهتر از حذف نظام جمهوریت باشد و تعیین نخست وزیری از سوی مجلسی که خود تابع خامنه ای است. تجربه تلخی که خامنه ای با کودتای ۲۲ خرداد بدست آورد در تله جریان احمدی نژاد افتادن بود. تصور این جریان بر این بود که فصل انتخابات رئیس جمهوری

در ایران برای همیشه تمام شده و انتخابات بعدی بصورت انتصابات برگزار می شود، ولی نه انتصابی که خامنه ای خواهد کرد که دیگر او هیچ اعتباری در جامعه ندارد. احمدی نژاد تصمیم گرفت خودش جانشین خود را برگمارد و اسفندیار مشایی را همچون جانشین خود منصوب کرده بود. قلدی های احمدی نژاد و گماشتن جانشین برای خود ناشی از آگاهی وی از ضعف خامنه ای در برگزاری یک انتخابات ریاست جمهوری دیگر در ایران بود.

اکنون خامنه ای با حذف انتخابات ریاست جمهوری و تعیین نخست وزیری که اسمش رئیس جمهور است بدست مجلس می خواهد دخالت های خود در همه امور را که در حال حاضر جنبه مغایرت آن با قانون اساسی آشکار شده گسترش دهد و هم ببوشاند. قدرت و تملق و دستور در خامنه ای متمرکز می شود ولی پاسخگوی مشکلات و ویرانی ها مجلس خواهد بود. اما همه این راه حل ها در واقع از این ستون به آن ستون است. آن هم ستون هایی که پایه هایش را موربانه های فساد و قدرت و ثروت خورده است. بحران کنونی در ایران، در وضع کنونی یک راه حل بیشتر ندارد و آن هم انتخابات آزاد و سپردن اختیار بدست مردم و مردم را اختیار امور کردن است که آن هم با طرز تفکرات حکومت اسلامی مغایر میباشد و مردم در این نظام هیچ اختیاری از خود ندارند و هر چه هست ولایت فقیه است و طبق تفکرات آنها ولی فقیه صاحب جان و مال و ناموس مردم است و صاحب اختیار آنهاست، مردم همچون بره های رام در دست آنها هستند تا که هر چه میخواهند تصمیم بگیرند و انجام بدهند پس محدود شدن قدرت ولی فقیه و قرار گرفتن آن در چارچوب قانون و تسلیم شدن به خواست مردم فقط و فقط یک شعار است و بس، و حکومت اسلامی با دیدگاه هایش نمی خواهد قانونی شدن قدرت را در ایران بپذیرد.

او بجای راه حل، بدنبال راه فرار می گردد و این راه فرار را فعلاً در حذف انتخابات ریاست جمهوری و سپردن قوه اجرایی بدست مجلس یافته است. در حالیکه به فرض هم که ایشان بر این ستون فرجی حاصل کند و از این گردنه هم بتواند عبور کند، بحران سیاسی دوباره این بار به شکل تضاد وی با مجلس و باصطلاح نخست وزیر بروز خواهد کرد. □

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

حال گزینه‌ای است که در کنار سایر گزینه‌ها همچنان غرب به آن می‌اندیشد.

سران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشست بروکسل، لحن خود را نسبت به ایران شدیدتر کرده و از این کشور خواستند به گزارش اخیر آژانس پاسخ دهد. آنها در عین حال اعلام کرده‌اند که قصد تهدید ایران به حمله نظامی را ندارند. وزیر خارجه آلمان، بحث در باره حمله نظامی به ایران را غیر سازنده خواند و تصریح کرد که وزرای خارجه اتحادیه اروپا برای بحث و بررسی حمله نظامی به ایران گرد هم نیامده‌اند، وی تصریح کرد که قصد حاضران در نشست در درجه اول تشدید فشارهای سیاسی و دیپلماتیک بر ایران است.

اما اگر ایران روش خود را تغییر ندهد و با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری نکند، تشدید تحریم‌های این کشور غیر قابل اجتناب خواهد شد. وی با اشاره به گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که توسط یوکیا آمانو، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آمده است، در باره برنامه اتمی ایران اشاره کرده، طبق مستنداتی که در اختیار آژانس است، جمهوری اسلامی تا سال ۲۰۱۰ پروژها و آزمایش‌های گوناگونی برای ساخت کلاهک انفجاری فعالیت هسته‌ای را دنبال کرده است که بخشی از فعالیت‌های ایران برای ساخت کلاهک هسته‌ای می‌تواند همچنان نیز ادامه داشته باشد.

در حالی که دولت آلمان در هماهنگی با آمریکا خود را برای تشدید تحریم‌ها آماده می‌کند، بخش اقتصاد این کشور با این سیاست موافق نیست. مدیران بخش خصوصی می‌پرسند که چرا باید در زمینه صدور کالاهای غیرنظامی بازار ایران را به رقبا بسپارند؟ مدیران بخش خصوصی آلمان معتقدند که استراتژی صدراعظم آلمان برای فشار آوردن بر جمهوری اسلامی، بیش از آن‌که به ملاحظات حاکم بر ایران زیان برساند، به شرکت‌های آلمانی صدمه زده است. اما از طرف دیگر کارشناسان و مدیران آلمانی ترجیح می‌دهند که به‌جای اعمال

دیگر که در اصل بنظر می‌آید حکومت اسلامی بدنبال راه تنفسی برای خود میگردد و آن را شیر اطمینانی برای جلوگیری از انفجارش تلقی کرده است، باید دید آیا فرصت استفاده از این ایده جدید را دارد یا خیر؟ آیا شیر اطمینان آنها درست و به موقع عمل میکند و مانع از انفجار آنها میشود؟

### اتحادیه اروپا و تصمیم تشدید تحریم‌ها علیه رژیم ایران



به دنبال انتشار گزارش هشدار دهنده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برخورد کشورهای غربی با حکومت اسلامی شکلی دیگر یافته است، کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشست بروکسل، لحن خود را نسبت به ایران شدیدتر کرده و از این کشور خواستند به گزارش اخیر آژانس پاسخ دهد. آژانس هشدار داده که نشانه‌هایی از تلاش ایران برای دستیابی به بمب اتمی یافته است. هدف از نشست سران اتحادیه اروپا در خصوص تشدید تحریم‌ها علیه ایران است.

صحبت از تحریم بانک مرکزی ایران است؛ اقدامی که تا به حال در مورد هیچ کشوری اجرا نشده، حرکتی که کل سیستم بانکی ایران را فلج می‌کند، رویدادی که در صورت وقوع حتی با وجود فروش نفت، باعث می‌شود ایران نتواند پول حاصل از این معامله را به راحتی تحویل بگیرد. بحث بر سر ممنوعیت فروش نفت و گاز ایران نیز وجود دارد. تحریم بازار نفت ایران، به نظر طرفداران این روش، می‌تواند اقتصاد تک‌محصولی ایران را از پا بیندازد. اما در مقابل نیز می‌تواند منجر به بالا رفتن قیمت جهانی نفت و ضربه بیشتر به اقتصاد پرمسئله‌ی اروپا و آمریکا شود. اما در هر

دوباره این بار به شکل تضاد وی با مجلس و باصطلاح نخست وزیر بروز خواهد کرد.

خامنهای مانند همه خودکامگان تاریخ نمی‌خواهد متوجه شود: تناسب قوای سیاسی، طبقاتی، فرهنگی در جامعه ایران تغییر کرده است. قدرت طبقه کلان سرمایه‌دار نظامی و دولتی و خصوصی که ایشان پایگاه حکومت خود کرده در حال حاضر از سوی مردم به چالش کشیده شده است و ریشه بحران عدم مقبولیت و مشروعیت جریان حاکم بر امور است.

خامنهای می‌خواهد برای سرپوش گذاشتن بر اعمال دیکتاتورمابانه خود و رها شدن از دخالت مردم در امور، انتخابات آن ساز و کار ایجاد تعادل را از نظام حذف کند با این تفکر که انتخابات ملک طلق اوست، در صورتیکه حق یکایک افراد ایران است، نمی‌شود انتخابات به سبکی باشد که یک سلیقه می‌پسندد و همه محدود باشند و همه مجبور باشند شرکت کنند، و چنین امری عملاً در صورت موفقیت به معنای انباشته شدن و انفجاری شدن بحران‌ها خواهد بود.

اینها تازه همه در صورتی است که اصلاً زمانی و فرصتی برای اجرای نقشه حذف انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده باشد. همه چیز نشان می‌دهد که برعکس، نظام برای بقاء و ادامه حیاتش بیش از هر زمان دیگری به انجام انتخابات و بویژه انتخابات ریاست جمهوری نیاز دارد که بتواند برای خود مشروعیتی هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی پیدا کند، تلاش برای تغییر قانون اساسی و حذف رئیس‌جمهور و انتخابات ریاست جمهوری به همان اندازه که نشانه‌دهنده اوج از هم گسیختگی و بحران سیاسی و اجتماعی است، نشانه‌دهنده تشدید بحران است.

بحرانهای اخیر در پیش روی نظام اسلامی در ابعاد بین‌المللی با توجه به تشدید تحریم‌ها، احتمال وقوع جنگ توسط جناح‌های جنگ طلب در داخل نظام و فشار دول غربی و اسرائیل در این خصوص، تضادهای درونی نظام جهت کسب قدرت و ترس از افشای همدیگر در برابر مردم، فشار اقتصادی در داخل کشور و.... سایر مسائل

← ادامه

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## ادامه مطلب: تشدید تحریم‌ها علیه رژیم ایران

همچنین وزیر امور خارجه فرانسه، در نشست بروکسل گفت: «ما باید امروز قاطعانه برای تشدید تحریم ایران عمل کنیم تا از هر گونه حمله غیر سازنده پرهیز شود و ی یادآوری کرد که ما هنوز در عرصه اقتصاد، فن‌آوری و صنعت خیلی فراتر می‌توانیم برویم، بی‌آنکه بلافاصله به راه‌حلی خشن رو بیاوریم. وی نیز معتقد است که چین و روسیه بیش از همه باید متقاعد شوند که فشار بر ایران غیر قابل چشم‌پوشی است. او در ادامه وزیر خارجه لوکزامبورگ گفت: «عملیات نظامی حاصلی به بار نخواهد آورد، با آن نمی‌توان به هدف دست یافت و پیامدهای آن نیز بسیار شدید خواهد بود، وی تصریح کرد که این نشست آغازی است برای تشدید احتمالی تحریم‌های ایران.

همچنین وزیر خارجه دانمارک نیز تهدید به حمله نظامی به ایران را بدترین روش خواند و افزود، باید با ایران وارد گفت‌وگو شد و در صورتی که این کشور به اتهام‌های آژانس پاسخ قانع‌کننده‌ای نداد باید تحریم‌ها را شدت بخشید. و در پایان کاترین اشتون، مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا، ضمن ابراز نگرانی شدید اتحادیه اروپا از گزارش اخیر آژانس تأکید کرد که این اتحادیه باید تصمیم بگیرد که با چه اقدام‌هایی می‌توان روشن ساخت که برنامه اتمی ایران کاملاً غیر قابل قبول است.

## تشدید تحریم‌ها علیه ایران از نگاه کارشناسان امور سیاسی اقتصادی

گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران و هم چنین نشست سران اتحادیه اروپا در خصوص تشدید تحریم‌ها علیه ایران است. ، عامل رواج این بحث در میان کارشناسان امور سیاسی اقتصادی گردیده و نظریات متفاوتی را از زاویه دید خود به این مسئله داده اند، بطوریکه مسائل قابل طرح از قبیل: تحریم بانک مرکزی، ممنوعیت خرید نفت و گاز، بستن راه‌های فرار از تحریم‌های قبلی، راهکارهایی هستند که غرب برای متوقف کردن برنامه اتمی ایران به آن می‌اندیشد. ما میخواهیم بدانیم، آیا نتیجه این تحریم‌ها فشار

بیشتر بر مردم ایران است یا بر حکومت؟ یکی از کارشناسان امور در این رابطه می‌گوید: تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران هرچند که با هدف تحت فشار قرار دادن حاکمیت صورت گیرد، ولی تبعات اقتصادی و اجتماعی دارد و آسیب‌هایی را متوجه شهروندان ایرانی می‌کند و دود این تحریم‌ها بیشتر از همه به چشم مردم ایران و به خصوص طبقه فقیر و متوسط می‌رود و تأثیر چندان‌ی نیز بر حکومت ایران ندارد.



درمقابل نظر دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه همین بالا رفتن نارضایتی می‌تواند در نهایت به اعتراض و فشار داخلی بر حکومت ایران بینجامد، اما برخی دیگر این نارضایتی را منتهی به شورش کور می‌دانند که روند دموکراسی‌خواهی ایران را کند خواهد کرد، و گروهی دیگر حتی معتقدند این تحریم‌ها می‌تواند در شرایطی به تحکیم هرچند موقت رژیم نیز کمک کند. یکی دیگر از نظریه پردازان امور سیاسی می‌گوید: هدف اصلی تحریم، تضعیف قدرت ایران در حوزه‌های مختلف اقتصادی، علمی و اجتماعی است تا زمانی که نیاز به حمله نظامی شد، که قدرتی در مقابل‌شان وجود نداشته باشد و به راحتی بتوانند حمله‌های نظامی را با کوچکترین حرکت به موفقیت ختم کنند.

مانند مورد عراق که شاهدش بودیم، تاکتیک‌هایی که آن‌ها را به این مسئله می‌رساند اول این است که در طول مدت اعمال تحریم‌ها، اختلافات درون حاکمیت ایران رشد پیدا می‌کند، دوم این که این تحریم‌ها می‌تواند شورش‌های شهری و اجتماعی را سبب شود و سوم این که می‌تواند پروژه‌های هسته‌ای ایران را عملاً از کار بیندازد و همه این‌ها مجموعاً آن‌ها را به اهداف‌شان نزدیک می‌کند.

## نه حمله نظامی، نه تحریم، راه حل چیست؟

با توجه به نظریات متفاوتی که در خصوص تحریم‌ها و یا حمله نظامی به ایران وجود دارد و در بالا به آنها اشاره شد، راه سوم را هم از نگاه نظریه پردازان سیاسی اقتصادی ببینیم که چه می‌باشد: بعنوان راه حل یکی معتقد است روشنفکران ایرانی در میان دو لبه‌ی قیچی حاکمیت اقتدارگرا در ایران و دغدغه‌های جهانی قرار گرفته‌اند با وجود این تصمیم‌های سیاسی می‌تواند این مسئله را پیچیده‌تر کند. او می‌گوید: تلاش برای این که جمهوری اسلامی حداکثر شفاف‌سازی را در پروژه‌های هسته‌ای خود در پیش گیرد، باید از طریق کانال‌های بین‌المللی صورت گیرد به نظر من اتخاذ تصمیم‌های سیاسی ممکن است این روند را بیش از پیش پیچیده کند.

و دیگری کلید حل معمای این پرونده را این چنین میدانند: راه‌حلی که می‌تواند انجام گیرد، اعتماد سازی متقابل از سوی ایران و غرب و همکاری دوطرفه است، در حقیقت راه‌حلش این است که دوطرف به سمت توازن منافع بروند و نه توازن قدرت. در توازن قدرت هر کسی سعی می‌کند طرف مقابل را تهدید کند، ولی در توازن منافع سعی می‌شود اعتمادسازی و همکاری صورت گیرد.

و کارشناس دیگر معتقد است که موضوع را باید از دید کشورهای غربی و جامعه جهانی نگریست که ظاهراً در حال حاضر دو راه بیشتر ندارند؛ یا دست به جنگ و عملیات نظامی علیه ایران بزنند، یا تحریم‌ها را شدت بخشند. وی سپس چنین نتیجه‌گیری می‌کند که شدت بخشیدن به تحریم‌ها می‌تواند جلوی حمله نظامی را بگیرد.

با نگاهی به تصمیمات سران غرب میتوان فهمید که آنها هم به این نتیجه رسیده اند که هزینه‌های جنگ چه برای طرف اروپایی و چه برای مردم ایران بسیار زیاد است و تلاش می‌کنند که راه‌حل‌های بینابینی را پیدا بکنند و روی همان تحریم‌ها به توافق برسند. به شکلی که هم مؤثر باشد و در عین حال رژیم را تسلیم شرایط اروپایی‌ها نکند و هم بتواند جلوی جنگ را بگیرد.

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## واکنش و افزایش فشارها پس از گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر ایران

گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قطعنامه شورای حکام بیش از پیش جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار داده است. مدیر کل این نهاد سازمان ملل از «ابعاد نظامی» فعالیت‌های هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کرده و گفته است اطلاعاتی در اختیار دارد که از تلاش و فعالیت‌های ایران در مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای حکایت می‌کنند. گرچه متن پیش‌نویس قطعنامه ملایم‌تر از خواست کشورهای غربی است، اما ایران موظف به پاسخ‌گویی درباره ابهامات برنامه اتمی خود شده و اعزام بازرسان آژانس نیز در این قطعنامه منظور شده است.

بدین ترتیب ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل تنها به تعویق افتاده است. بنابر گزارش‌ها، شورای امنیت در صدد تشکیل یک هیئت نظارت برای دنبال کردن اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل در مورد ایران است. نمایندگان آمریکا، بریتانیا و فرانسه در شورای امنیت سازمان ملل خواستار تشکیل هرچه زودتر چنین هیئتی هستند. اعضای شورا به توافقی برای تشکیل چنین هیئتی دست یافته‌اند.

### جمهوری خواه خواهان آمریکا دنبال تحریم بانک مرکزی ایران هستند

سوزان رایس سفیر آمریکا در سازمان ملل در همین رابطه گفت: ما از تاخیر در تشکیل هیات نظارت بر اجرای تحریم‌های ایران احساس نگرانی کرده و خواستار تشکیل هر چه زودتر چنین نهادی هستیم تا وظایف خود را دنبال کند. در جلسه شورای امنیت، همچنین خانم رایس از این شورا خواست برای جلوگیری نقض مکرر قطعنامه‌های سازمان ملل از سوی ایران اقدام‌های لازم را به عمل آورد. به گفته‌ی نماینده آمریکا، تنها با چنین اقدام‌هایی می‌توان تحریم‌های شورای امنیت را به درستی اجرا کرد و خطر دستیابی ایران به فن‌آوری‌های تولید بمب هسته‌ای و موشک‌های بالستیک را کاهش داد. یک سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

درباره ایران را هشداردهنده خواند، وی گفت، این گزارش اتهام‌های بسیار جدی در بر دارد و تهران باید به‌طور آشکار و شفاف با آژانس همکاری کند تا نگرانی‌ها را کاهش دهد. هم‌زمان سخنگوی کاخ سفید نیز گزارش اخیر آژانس درباره برنامه‌های اتمی ایران را بسیار نگران‌کننده توصیف کرد وی گفت، ایران باید رفتار خود با جامعه جهانی را تصحیح کند و برای برخورداری از حق انرژی هسته‌ای، به تعهدات بین‌المللی خود پایبندی نشان دهد. وی گفت، آمریکا به اعمال فشار علیه ایران ادامه خواهد داد تا این کشور رفتار خود را تغییر دهد.



همچنین وزیر دفاع آمریکا در آستانه دیدار با هم‌تای اسرائیلی خود اعلام کرد که حمله نظامی به ایران می‌تواند به لحاظ اقتصادی به کل جهان آسیب رساند. وی تصریح کرد که پیامدهای یک حمله نظامی به ایران نه تنها برای ایالات متحده، بلکه برای اقتصاد جهانی منفی خواهد بود. بنا به ارزیابی مقامات امنیتی آمریکا حمله نظامی حداکثر تنها یک یا دو سال برنامه اتمی را به عقب خواهند راند، اما سبب توقف آن نخواهد شد. وزیر دفاع آمریکا تصریح کرد که واشنگتن کماکان بر این باور است که فشارهای دیپلماتیک و ادامه تحریم‌ها موثرترین راه برای توقف برنامه هسته‌ای ایران است.

برخی سناتورهای آمریکایی نیز خواستار تشدید تحریم‌ها علیه ایران و بطور مشخص بانک مرکزی ایران شدند رهبر فراکسیون اقلیت سناتورهای جمهوری خواه آمریکا اعلام کرد که تحریم بانک مرکزی ایران یکی از اقدامات باقی‌مانده‌ای است که می‌تواند سبب کندی و یا توقف برنامه اتمی ایران شود، یکی دیگر از سناتورهای

جمهوری خواه نیز با ارائه پیشنهاداتی خواستار تحریم بانک مرکزی ایران شد. این پیشنهادات به رئیس‌جمهور آمریکا اجازه خواهد داد که تمامی موسسات مالی و بانک‌هایی که با بانک مرکزی ایران معامله دارند را از بازارهای آمریکا محروم و مشمول تحریم‌ها کند. وی گفت: بدون تدابیر جدی و فوری، ایران به توانایی‌های نظامی اتمی دست خواهد یافت و ما باید هم‌اکنون با پیامدهای ایران اتمی مقابله کنیم، چون ایران به سلاح هسته‌ای می‌تواند به مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه از عربستان سعودی تا مصر دامن زند. سخنگوی بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد ضمن مخالفت با هر گونه حمله نظامی به ایران، گفت این مناقشه تنها با مذاکره قابل حل است. اشاره به سخنگوی دبیرکل سازمان ملل متحد به تهدیدهای برخی مقام‌های دولت اسرائیل است که حمله‌ی نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران را به عنوان یک گزینه، در آینده‌ی نزدیک محتمل دانسته‌اند.

### اسرائیل: برنامه اتمی ایران تهدیدی برای صلح جهانی است

شیمون پرز، رئیس‌جمهور اسرائیل اعلام کرده است که اسرائیل در حال حاضر تمایلی به حمله نظامی به ایران نداشته و همچنان در پی یک راه حل دیپلماتیک برای پایان دادن به مناقشه اتمی با جمهوری اسلامی است. وی تاکید کرد که برنامه اتمی ایران تنها خطری برای اسرائیل نبوده، بلکه تهدیدی برای امنیت و صلح منطقه و جهان است. اروپایی‌ها در واکنش به آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه‌ی اتمی ایران، در تدارک تحریم‌های تازه علیه ایران هستند که اولین نشست سران اروپا در بروکسل در این ارتباط انجام شد.

براساس گزارش‌ها، پیش‌نویس دور تازه‌ی تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران تا نشست بعدی وزیران خارجه این اتحادیه در بروکسل در نخستین روز ماه دسامبر آماده خواهد شد، برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا میلند تحریم‌های تازه علیه ایران از طریق شورای امنیت سازمان ملل اعمال شود، اما روسیه و چین با این تحریم‌ها مخالفند.

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## تحریم‌های سوئیس علیه ایران



سوئیس اعلام کرد که تحریم‌ها علیه ایران را شدت بخشیده است و اسامی ۱۱۶ نفر از جمله علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه ایران را در فهرست افراد تحت تحریم‌های مالی و مسافرتی قرار داده است. تحریم‌های تازه کشور سوئیس علیه عده‌ای از مقامات جمهوری اسلامی تنها یک هفته پس از انتشار تازه‌ترین و شدیدالحن‌ترین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران اعلام شده است. پیشتر دولت سوئیس در سال گذشته از افزایش تحریم‌هایش علیه جمهوری اسلامی ایران برای یکدست شدن این تحریم‌ها با تحریم‌هایی که اتحادیه اروپا علیه ایران اعمال کرده خبر داده بود. به این ترتیب با اعمال این تحریم تازه، رئیس دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی اجازه سفر به کشور سوئیس را نخواهد داشت. دفتر دولتی امور اقتصادی سوئیس، از این ۱۱۶ فرد حقوقی و حقیقی ۱۱۱ شرکت هستند و پنج نفر از مقامات سازمان انرژی اتمی که علی‌اکبر صالحی نیز پیشتر ریاست آن را بر عهده داشت. فهرست تحریم‌های سوئیس علیه ایران در کل اسامی ۲۵۰ فرد و موسسه را شامل می‌شود. بر اساس بیانیه‌ای که دولت سوئیس سال گذشته در این زمینه منتشر کرد، شرکت‌های سوئیسی اجازه فروش یا تحویل کالاهایی به ایران که ممکن است کاربرد نظامی نیز داشته باشند را ندارند. برپایه این مقررات جدید، ممنوعیت صادرات مواد سنگین نظامی که تاکنون در سوئیس برای ایران اعمال می‌شده از این پس شامل تمامی انواع کالاهای نظامی خواهد شد. بر اساس این تحریم‌ها، هر گونه انتقال پول بین دو کشور ایران و سوئیس در صورتی که مبلغ آن از ده هزار فرانک سوئیس یا حدود هشت هزار یورو فراتر رود باید به دولت این کشور گزارش شود.

## روسیه: هدف عملیات نظامی علیه رژیم ایران است

روسیه نیز پیش‌تر با وضع تحریم‌های جدید علیه ایران مخالفت کرده بود. معاون وزیر امور خارجه روسیه طی گفت‌وگویی اظهار داشت: جامعه بین‌المللی اعمال هرگونه تحریم ممکن علیه ایران را وسیله‌ای برای ساقط کردن رهبری سیاسی در تهران می‌بیند، و به گفته وی چنین چیزی برای روسیه غیرقابل قبول است و مسکو در چنین راهبردی شرکت نخواهد کرد. در همین حال رئیس کمیته روابط خارجی دوما روسیه گفت، وارد کردن اتهام‌های سنگین تلاش برای ساخت بمب اتمی به ایران در گزارش جدید آژانس، بخشی از استراتژی طولانی‌مدت برای ساقط کردن رژیم ایران است. وی گفت، تعجب‌آور آن است که اتهام‌های آژانس علیه ایران با سند و مدرک همراه نیست. خطرناک‌تر از همه، اظهارات برخی مقام‌های بلندپایه سیاسی در ایالات متحده آمریکا، فرانسه، بریتانیا و اسرائیل مبنی بر ممکن بودن عملیات نظامی علیه ایران است که زمان آن گویا نزدیکتر هم می‌شود.

همچنین نمایندگان چهار کشور غربی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین ممنوعیت ورود بازرسان به ایران را محکوم کرده و این کشور را به «ارباب» آژانس متهم کردند و طی بیانیه‌ای اعلام کردند که: عدم همکاری کامل ایران با آژانس و ممانعت از ورود دو تن از بازرسان آژانس به ایران مشکل‌ساز و قابل سرزنش است. در این بیانیه آمده است: مقام‌های ایرانی آشکارا تلاش می‌کنند آژانس را مرعوب کنند تا به این ترتیب بر کار این نهاد برای ارائه گزارش به شورای حکام تأثیر گذاشته و توانایی آن را برای اجرای موثر در این کشور بی‌اعتبار کنند. هم چنین نماینده آمریکا در آژانس نیز با بی‌سابقه خواندن اقدام ایران، آن را حرکتی به منظور مرعوب کردن بازرسان آژانس دانست. همچنین یوکیا آمانو مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از اقدام رژیم در جلوگیری از ورود بازرسان آژانس شدیداً انتقاد و تأکید کرد که ممنوعیت ورود بازرسان به ایران، فعالیت‌های آژانس را در این کشور دچار اختلال می‌کند.

## قطعه‌نامه شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی در مورد ایران صادر شد



شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعه‌نامه‌ای را در مورد ایران صادر کرده که در آن قطعه‌نامه از ایران خواسته شده است که فوراً به قطعنامه‌های شورای امنیت عمل کند. این قطعه‌نامه با ۳۲ رأی موافق در مقابل ۲ رأی مخالف نمایندگان کوبا و اکوادور و یک رأی ممتنع نماینده اندونزی تصویب شد. این قطعه‌نامه پس از ارائه تازه‌ترین گزارش یوکیا آمانو، مدیرکل آژانس در مورد ایران صادر می‌شود که در آن برای نخستین بار جزئیاتی از فعالیت‌های حساسیت برانگیز ایران ارائه شده است. این گزارش نگرانی‌ها در مورد جنبه‌های نظامی احتمالی فعالیت‌های اتمی ایران را به شدت افزایش داده است. طبق آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران در هر صورت تا سال گذشته روی برنامه‌ای برای ساخت بمب اتمی کار می‌کرده است. تا کنون هیچ یک از گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره‌ی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی، نظر جامعه‌ی جهانی را چنین به خود معطوف نساخته بود. مضمون این گزارش برای جامعه‌ی جهانی هشدار دهنده است. طبق این گزارش، مستندات که در اختیار مقامات آژانس بین‌المللی است، حاکی از آن است که جمهوری اسلامی تا سال ۲۰۱۰ پروژه‌ها و آزمایش‌های گوناگونی برای ساخت کلاهک انفجاری هسته‌ای دنبال کرده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پیوست این گزارش ۲۵ صفحه‌ای، همه‌ی اطلاعات، آزمایش‌ها، پروژه‌ها و سازمان‌های یک برنامه‌ی ساخت سلاح اتمی مخفی احتمالی توسط ایران را جمع بندی کرده است.

ادامه



**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## ادامه مطلب: قطعنامه شورای حکام

آژانس در گزارش خود بارها تاکید کرده که اطلاعات خود را از منابع گوناگون به دست آورده است و این اطلاعات که پایه نگرانی و تحلیل آژانس را تشکیل می‌دهند قابل اعتماد هستند. طبق گزارش، این اطلاعات از منابع مستقل مختلفی مانند کشورهای عضو، اطلاعات خود آژانس و اطلاعاتی که خود ایران در اختیار آژانس قرار داده به دست آمده‌اند. طبق این گزارش، دولت ایران نقشه‌های ساخت سلاح اتمی را از طریق یک شبکه‌ی قاچاق پیرامون عبدالقادر خان، دانشمند اتمی پاکستان به دست آورده است. آژانس خاطر نشان ساخته است که وی مخفیانه به لیبی نیز برنامه‌ی اتمی صادر کرده بود. در قطعنامه شورای حکام آژانس از ایران خواسته شده هیأتی بلند پایه را از آژانس بپذیرد و در مورد سئوالات و ابهامات موجود با آنها گفت و گو کند. آقای آمانو اعلام کرد که هدف از اعزام این هیأت بررسی ابهام‌های مربوط به نظامی بودن احتمالی برنامه هسته‌ای ایران است.

نماینده دائمی ایران در آژانس بین المللی انرژی اتمی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت که ایران پیش از انتشار گزارش آقای آمانو، به او پیشنهاد کرده بود که در رأس هیأتی بلند پایه به ایران سفر کند، اما آقای آمانو پس از مشورت با مقامات آمریکایی این پیشنهاد را رد کرد. وی اشاره کرد که فشار آمریکا و آژانس باعث خواهد شد که عزم مردم ایران برای ادامه فعالیت‌های مشروع اتمی خود جدی تر شود.

در گزارش جدید باتکیه بر تصاویر ماهواره‌ای از جمله به محفظه‌های فولادی به اندازه یک اتوبوس در مرکز نظامی پارچین اشاره شده که از آن برای انجام آزمایش‌های انفجاری استفاده می‌شود. آژانس می‌گوید، ایران آزمایش‌هایی بر روی مجهز کردن موشک شهاب سه انجام می‌دهد. با این موشک‌ها می‌توان اسرائیل را هدف قرار داد. پس از رایزنی‌های شورای حکام آژانس اتمی برای دستیابی به قطعنامه‌ای علیه برنامه اتمی ایران به رغم مقاومت‌های چین و روسیه، دولت آمریکا و متحدان غربی آن امیدوار

بودند که این دو کشور با تصویب این قطعنامه موافقت کنند، آنها خواهان صدور قطعنامه‌ای شفاف و صریح علیه ایران بودند. روسیه و چین همچنان مانعی بر سر تشدید مجازات‌ها علیه تهران به شمار می‌آیند.



بدنبال انتشار گزارش آژانس انرژی اتمی که در آن جمهوری اسلامی متهم به تهیه مقدمات آزمایش سلاح اتمی در یک کانتینر فولادی شده، فرانسه خواهان تشکیل اجلاس شورای امنیت سازمان ملل برای تصمیم پیرامون این گزارش شد. چین که نیاز مبرم به نفت ایران دارد و روسیه که مناسبات تجاری‌اش با ایران تنگاتنگ است و خود دست‌اندرکار ساخت نیروگاه اتمی ایران است، بارها در راه اقدام‌های جدی علیه ایران سنگ‌اندازی کرده‌اند. هر دوی این کشورها حتی با انتشار گزارش اخیر آژانس در مورد ایران مخالفت کرده‌اند.

روسیه از انتشار گزارش آژانس درباره‌ی برنامه‌ی اتمی ایران در زمان کنونی شدیداً انتقاد کرد و آن را غیرسازنده خواند. به گزارش اینترفاکس، وزارت خارجه‌ی روسیه اعلام کرد که انتشار این گزارش در چنین شرایطی، شانس گفت‌وگو میان میانجیگران بین‌المللی و رهبران تهران را کمتر می‌کند. مسکو بدون اینکه مضمون این گزارش را تفسیر کند، از این گام آژانس ابراز ناخرسندی و سرخوردگی کرده است. به گفته‌ی وزارت خارجه‌ی روسیه، پس از تحلیل این گزارش می‌توان قضاوت کرد که آیا اتهامات وارده به ایران معتبر است یا نه. روسیه اعلام کرد، این گزارش حاوی نکته تازه‌ای نبوده، حتی آن را با اطلاعات نادرستی از سلاح‌های کشتار جمعی در عراق که به حمله آمریکا به این کشور انجامید مقایسه کرده است.

مؤسسه امور بین‌المللی و امنیتی آلمان، عدم تمایل روسیه و چین برای تصویب قطعنامه‌ای جدی علیه ایران را به تجربه بد آنها در مورد لیبی ربط داده است. در پی تصویب قطعنامه برقراری منطقه پرواز ممنوع لیبی در شورای امنیت، آمریکا و ناتو حملات خود را در لیبی آغاز کردند. این حملات با مخالفت‌های پی در پی روسیه و چین روبرو شد که به جایی نرسید. یک هیأت اروپایی گفت، روسیه با قطعنامه موافقت کرده و به نظر نمی‌رسد که چین هم مخالفتی بنیادین با قطعنامه داشته باشد.

اسرائیل نیز همزمان با برپایی نشست شورای حکام آژانس اتمی، از این شورا خواسته بود که اقدامات تنبیهی شدیدتری را علیه ایران اعمال کند، وزیر دفاع اسرائیل گفت: ما باید رهبران سیاسی جهان را متقاعد سازیم که برنامه اتمی ایران نه تنها علیه اسرائیل است، بلکه علیه شالوده‌ی نظم جهانی است. وی درباره احتمال حمله نظامی به ایران به عنوان آخرین راه گفت: هیچ گزینه‌ای در حال حاضر منطقی نیست. پس از ارائه گزارش جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی نماینده اسرائیل در آژانس، با ابراز ناامیدی گفت، امید داشتیم که گزارش آژانس پاسخی جدی‌تر از شورای حکام باشد. وی در نهایت ابراز امیدواری کرد که توافق آژانس زمینه‌ای برای قطعنامه‌های بعدی شورای در امنیت سازمان ملل باشد.

باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا اعلام کرد، دولت‌های مسکو، واشنگتن و پکن به دنبال "پاسخی مشترک" به یافته‌های جدید آژانس در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران هستند. سه کشور هنوز بر سر تحریم شدیدتر ایران به توافق نرسیده‌اند.

همچنین وزیر امور خارجه ایالات متحده، هیلاری کلینتون گفت: ایران از مدتها پیش تلاش کرده واقعیت برنامه‌های هسته‌ای خود را پنهان کند و جامعه جهانی را در مورد اهداف واقعی برنامه‌هایش فریب دهد، اما ما تبادل نظر در مورد افزایش فشار بر ایران را با متحدانمان ادامه خواهیم داد.



## زمزمه های حمله نظامی به ایران در روابط دیپلماتیک



در روزهای گذشته ایران و اسرائیل با لحنی تند و گزنده یکدیگر را به حملات ویرانگر تهدید کرده و برای هم خط و نشان کشیده‌اند. همراه با جنگ لفظی، رسانه‌های جمعی از دورخیز ارتش اسرائیل برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران خبر داده و ارتش این کشور با آزمایش موفقیت‌آمیز یک موشک دوربرد اتمی به قدرت‌نمایی پرداخته است. مقامات ایران با شدت به این تهدیدات پاسخ داده‌اند. در واکنش به آزمایش موشکی اخیر اسرائیل، مقامات نظامی ایران گفته‌اند که ارتش جمهوری اسلامی به سیستم موشکی پیشرفته‌ای مجهز است و می‌تواند هر حمله اسرائیل را بی‌درنگ دفع کند و ضربه‌ای مهلک به این کشور وارد آورد.

به نظر می‌رسد که حکومت ایران از حمله نظامی به ایران توسط اسرائیل یا آمریکا استقبال می‌کند. صاحب نظران معتقدند که حکومت ایران بدلیل مشکلات عدیده ای که در داخل و خارج دارد این گزینه را می‌پسندد چون این حمله نه تنها به سقوط حکومت کمک نمی‌کند بلکه قدرتش را نیز افزایش می‌دهد. دلیل دیگری که باعث می‌شود حکومت ایران از حمله نظامی که تنها منجر به صدمه خوردن دولت می‌شود، استقبال کند این است: آنها در بهار سال جاری یک انتخابات سخت در پیش رو دارند که ممکن است یک خیزش علیه فساد مالی و سرکوب را بدنبال داشته باشد. بمباران ایران این بهانه را به دست حکومت می‌دهد تا نیروهای مخالف را به عنوان اتحاد ملی سرکوب کنند و مشروعیت بدست بیاورند.

زمزمه حمله به ایران در رسانه های اسرائیل

رسانه های خبری اسرائیل زمزمه تازه ای را درباره بحث در کابینه اسرائیل برای تصمیم قطعی جهت حمله نظامی به ایران آغاز کرده اند. در این رسانه ها آمده است که نخست وزیر و وزیر دفاع اسرائیل سرگرم مذاکرات جدی با نظامی ها و مقامات امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل برای رسیدن به توافق بر سر آغاز حمله به تأسیسات اتمی ایران هستند. و مدعی شده اند که حتی اگر تفاهم در کل کابینه اسرائیل بدست نیاید و همه مسئولان نظامی نیز با حمله به ایران موافق نباشند، این حمله صورت خواهد گرفت.

### تهدید حمله به تأسیسات اتمی اسرائیل

در روزهای اخیر، در ایران نیز این گمال قوی شده است که احمدی نژاد نقش محرک حمله به ایران را بازی می‌کند، زیرا نجات موقعیت خویش و حتی باقی ماندن بر سر مقام خویش را در گرو چنین حمله ای می‌داند. در یکی از جلسات مجلس که برای استیضاح وزیر اقتصاد و دارائی کابینه احمدی نژاد تشکیل شده بود، احمدی نژاد نیز سخنرانی کرد و ضمن اعتراف به خطر حمله به ایران که خود وی از جمله هموار کنندگان این فاجعه بوده است مطرح کرد، او گفت: کشورهای مستکبر بدنبال استفاده از فرصت‌ها و ضعف‌های ما هستند. حل مسئله ایران بزرگترین مشکل مستکبران است. برای زمین‌گیر کردن ما ممکن است برنامه‌های ویژه داشته باشند. مثل روز روشن است که ناتو برای حمله به ایران له له می‌زند. شرایط عادی نیست، داریم به لحظه برخورد نهایی نزدیک می‌شویم. داریم به نقطه اوج می‌رسیم، اگر غفلت کنیم ضربه‌ای خواهیم خورد که تا ۵۰۰ سال نتوانیم بلند شویم و این هنوز اول عشق است تا روزی که امپراتوری آمریکا از کاخ سفید به زیر کشیده شود، ماهنوز کار داریم. از طرفی معاون فرهنگی و تبلیغات دفاعی ارتش جمهوری اسلامی، می‌گوید ایران در مقابله با هرگونه تهدید نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای خود، تأسیسات هسته‌ای اسرائیل را هدف قرار خواهد داد، چنانچه چنین اتفاقی بیفتد خوشبختانه جمهوری اسلامی بر اساس تجاری که از دوران گذشته دارد، در

موقعیتی نیست که دست‌بسته باقی بماند و تأسیسات هسته ای اسرائیل در دسترس ما قرار دارد. و دامنه این عملیات از کشورهای منطقه نیز فراتر خواهد رفت، ایران برگ‌های زیادی دارد و این برگ‌ها محدود به منطقه نیست، و در زمان مناسب از آنها استفاده خواهد کرد. مدودف رئیس جمهوری روسیه گفته است: سخن پردازی های نظامی گرانه در خاور نزدیک می‌تواند به وقوع فاجعه منجر شود. آنچه به بیانات ستیزه جویانه در اینباره مربوط می‌شود که کشوری، اسرائیل یا هر کشور دیگر آماده توسل به زور علیه ایران یا هر کشور دیگر در خاور نزدیک هستند، این بیانات فوق العاده خطرناک می‌باشند. اگر اکنون در این شرایط موج نظامی گری بلند شده و کشوری تهدید شود، این کار باعث بیار آمدن پی آمد های بسیار سنگین و حتی وقوع درگیری خواهد شد.



وزیر امور خارجه بریتانیا گفته است، رویارویی بر سر برنامه هسته ای ایران در حال ورود به مرحله خطرناکی است، وی گفته است، بریتانیا پس از انتشار گزارش آژانس درحال بررسی تشدید تحریم ها علیه ایران در بخش های مالی و انرژی است. به نظر دولت آلمان، حکومت جمهوری اسلامی با برنامه اتمی خود منطقه ناآرام خاورمیانه را بیش از پیش به آشوب می‌کشد، که به ویژه در حال حاضر سخت به آرامش و تنش‌زدایی نیازمند است. با توجه به تهدیدات صریح ایران علیه کشور اسرائیل، جامعه جهانی وظیفه دارد ایران را از دسترسی به سلاح اتمی باز دارد. همچنین دبیرکل ناتو گفت: ناتو از تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک برای حل مناقشه هسته‌ای با ایران حمایت می‌کند، وی نیز جلوگیری از گسترش شایعات و گمانه‌زنی‌ها درباره یک حمله احتمالی به تأسیسات اتمی ایران است. □

**بدانیم، بیان‌دیشیم، بپاخیزیم!**

خسرو حسنی

### اثرات مبهم تحریم‌های اقتصادی در روند کشورها

روند سیر وقایع در خصوص تحریم‌ها علیه ایران، و اثرات آن بر اقتصاد ایران در وهله اول و سپس نقش آفرینی آن در روابط سیاسی بین کشورها ما را و میدارد که در ارتباط با نقش تحریم‌ها ی جدید بیشتر صحبت بکنیم، همچنان که چندی پیش خبر گزاریه‌ها در رابطه با تشدید تحریم‌ها علیه ایران اعلام کردند، پیش نویس دو طرح که در پی تحریم صادرات نفت و گاز و بانک مرکزی ایران است، در کمیته روابط امور خارجه مجلس نمایندگان آمریکا تصویب شده است. این کنگره آخرین بار حدود یک سال پیش، تحریم‌های یک جانبه این کشور علیه ایران را تشدید کرده بود، کمیته روابط امور خارجه مجلس نمایندگان آمریکا همچنین پیش نویس طرح دیگری که به طور مشترک تحریم‌ها را علیه شرکای تجاری و نظامی ایران، کره شمالی و سوریه افزایش می‌دهد، تصویب کرد. این طرح‌ها در مرحله بعد احتمالاً برای بررسی بیشتر به کمیته‌های دیگر این مجلس و سرانجام برای رای گیری، به صحن مجلس نمایندگان آمریکا فرستاده خواهد شد. و البته نقش و همراهی متحدان اروپائی، آمریکا را در این خصوص نباید نادیده گرفت که همگی متفق القول منتها با کمی اختلاف نظرات هستند، در این مسیر نقش چین و روسیه جدای از بقیه کشورها میباشد و آمریکا با متحدان غربی اش بدنبال توافق با آنها و همراه کردن آنها جهت تشدید تحریم‌ها هستند، حال این تحریم‌ها چه اثری در روند و فعالیت‌های یک کشور در میان سایرکشورهای دنیا در روابط فی مابین میتواند داشته باشد.

تحریم به عنوان اقدام تنبیهی، شکلی از اعمال محدودیت‌هایی است که انتظار می‌رود از طریق آن کشوری وادار به یک عمل مشخص یا دست کشیدن از عملی مشخص شود. هر تحریمی، که تدبیری محدودکننده باشد، به هر حال کاملاً بی‌اثر نخواهد بود. تحریم با توجه به شکل اعمال آن پیامدهای متفاوتی دارد. تحریم‌های یک جانبه و چند جانبه، که توسط یک کشور مانند آمریکا یا مجموعه‌ای از کشورها مانند اتحادیه اروپا وضع می‌شوند، به نسبت تحریم‌های بین‌المللی که در پی تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت اعمال شده باشند

کم اثرتر به نظر می‌رسند. گرچه چند ملیتی بودن اغلب کمپانی‌های بزرگ می‌تواند دامنه‌ی تحریم‌های یک جانبه را به بسیاری دیگر از کشورها توسعه دهد.

کارشناسان معتقدند در کشورهایی که سرمایه طبیعی سرشاری دارند تاثیر تحریم‌ها بر نسل‌های آینده بسیار شدیدتر خواهد بود. در چنین کشورهایی حکومت‌ها برای مقابله با اثرات تحریم‌ها: ۱- با استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و ثروت ملی بخشی از هزینه‌ی تحریم‌ها را جبران می‌کند بطوریکه در این کشورها ثروت ملی به جای این که صرف بهبود زندگی شهروندان و گسترش زیرساخت‌ها شود، به مصرف دور زدن تحریم و خرید کالاها از طریق واسطه‌ها می‌رسد. ۲- دخالت بیش از حد دستگاه‌های دولتی در کارهای اقتصادی و در نتیجه رواج رانت‌خواری و گسترش فساد مالی است.

جلوگیری از فروش برخی کالاها می‌تواند در مواردی کشور تحریم‌شونده را به سوی ارتقاء تولید داخلی سوق دهد. حکومت اسلامی بر این نکته تاکید بسیار دارد و مدعی است تحریم باعث پیشرفت‌های فنی و تکنیکی گسترده در ایران شده است، وی ادعا می‌کند بر اثر تحریم، توان تولید داخلی افزایش یافته و متخصصان ایرانی قادرند تمام نیازهای کشور را برطرف کنند. اما آمار رسمی واردات کالا و کالاهای مصرفی موجود در بازارهای ایران خلاف این ادعا را اثبات می‌کند. افزایش واردات، معنایی جز کاهش تولید داخلی نمی‌تواند داشته باشد. کارشناسان اقتصادی تاکید دارند که دلیل رویکرد دولت به توسعه واردات، آن است که افراد بانفوذ نزدیک به رهبری و دولت ایران، انحصار ورود کالاهای ضروری را در اختیار دارند و از این طریق به سودهای سرشار می‌رسند.

در برابر توسعه واردات، به ویژه پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، ورشکستگی بخش تولید داخلی سرعت گرفته است. آمار قابل اعتمادی در ایران منتشر نمی‌شود تا بتوان وضعیت بیکاری را به روشنی بررسی کرد. اما این مشکل به‌ویژه در میان جوانان تحصیل‌کرده دامن‌گستر است. یکی از عوارض کاهش تولید داخلی و افزایش صادرات، رشد بیکاری است.

علاوه بر این در اقتصاد در هم تنیده‌ی امروز جهان، تولید کالایی که توجیه اقتصادی ندارد زیان بزرگی محسوب می‌شود. تولید همه

کالاهای مورد نیاز در داخل کشور، اگر عملی هم باشد، غیر اقتصادی است. این کار به این معناست که ایران باید تمام راهی را که صنعت جهان با شراکت کشورهای مختلف پیموده خود به تنهایی برود. همچنین اتکای بیش از حد بودجه‌ی ایران به دلارهای نفتی فضای حمایت از تولید داخلی را محدود کرده است. آنچه به‌عنوان مزیت تحریم در جهت رسیدن به خودکفایی مطرح می‌شود، در دنیای امروز کاهش بهره‌وری اقتصادی خوانده می‌شود. یعنی کشور مجبور به تولید طیف وسیعی از کالاهایی می‌شود که در کشورهای دیگر با کیفیت بهتر و بهای مناسب‌تر تولید می‌شوند. تولید داخلی ضربه می‌خورد، بیکاری افزایش می‌یابد و بازار کالای قاچاق رونق می‌گیرد. بطوریکه سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرده است سالانه بیش از ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد ایران می‌شود.

در نتیجه تحریم‌های بین‌المللی و تضعیف شدید بخش خصوصی، اقتصاد سایه در ایران رشدی نجومی یافته است، در جامعه‌ای که دولت‌اش برای تهیه‌ی کالایی که قانونی به او فروخته نمی‌شود به واسطه‌ها و بازارهای سیاه و خاکستری رو می‌آورد، فعالیت‌های تجاری و مالی نمی‌توانند از شفافیت لازم برخوردار باشند. پس از تشدید تحریم‌های بانکی آمریکا و اتحادیه اروپا، نقش واسطه‌ها در مناسبات مالی جمهوری اسلامی با خریداران و فروشندگان خارجی به شدت افزایش یافته است. کارشناسان معتقدند در شرایطی که تحریم، مناسبات مالی و تجاری یک کشور را به سوی واسطه‌ها سوق دهد راه برای مناسبات مافیایی و پول‌شویی در ابعاد وسیع گشوده می‌شود جمهوری اسلامی ایران یکی از نمونه‌های این گونه جوامع است که در آن رئیس دولت، فرماندهان سپاه پاسداران را برادران قاچاقچی خطاب می‌کند و قوه قضاییه اعضای دولت را همدست اختلاس‌گران می‌خواند. به این ترتیب بخش بزرگی از فعالیت‌های تجاری، خارج از چرخه‌ی طبیعی فعالیت‌های اقتصادی قرار می‌گیرد. به‌رغم این، خامنه‌ای اینگونه فعالیت‌ها را مایه‌ی افتخار نظام اسلامی می‌داند و پیش در دیدار با فعالان اقتصادی با تمجید از تلاش‌های آنها برای دور زدن تحریم‌ها گفت: مقابله افتخارآمیز نظام اسلامی با تحریم‌ها، همچون تمامی ۳۲ سال اخیر، با موفقیت ادامه خواهد یافت و در همان

**بدانیم، بیان‌دیشیم، بپاخیزیم!**

## حسین کحالی

## رقابت پوچ و توخالی (مجلس نهم)

باز هم مثل هرباردر رادیو و تلویزیون و رسانه های دولتی رژیم ایران شاهد تبلیغ های دروغینی هستیم که ۳۲ سال است هربارتکرار می شود و چشم و گوش مردم از این دروغ و دغلاها و دکان بازاری که رژیم اسلامی راه انداخته پر شده است. اما این بار به اسم انتخابات مجلس نهم، رقابت بین اصولگرایان و اصلاح طلبان، رقابتی است که جای بحث و تأمل دارد. دو قطب مخالف سرسخت همدیگر که هر یک شمشیر را از رو بسته اند و برای به قدرت رسیدن دست به هرکاری می زنند از تبلیغات در در و دیوار شهر گرفته بترها و پلاکاردهای آنجانی و گران قیمت که بهایش را مردم بخت برگشته سالهاست که دارند خواسته و ناخواسته پرداخت می کنند.

از وعده و وعیدهای پوچ و تو خالی گرفته تا سرکوب و تخریب کردن یکدیگر، اما این دعوی زرگری بین این دو قطب و تبلیغات و هزینه های سنگین فقط بخاطر نشان دادن یک انتخابات آزاد و مردمی به جامعه جهانی وافکار عمومی است نه هیچ چیز دیگری. بگذریم از این موضوع که همیشه برعکس ثابت شده است و از قبیل برنامه ریزی ها انجام شده و نماینده های مجلس از قبل توسط شخص خامنه ای تعیین شده و دستورات و وظایفشان ابلاغ گردیده است.

در مصاحبه ای که حداد عادل اخیرا با رسانه ها داشته گفته، ما انتخاباتی جدی خواهیم داشت و چهره هایی که معرفی خواهند کرد شورای نگهبان هم آنها را می پذیرد، منظور ایشان همان شورای نگهبانی است که تمام اعضای آن به انتخاب و صلاحیت ملاخامنه ای برسرمیز ریاست نشسته اند و از او فرمان می برند و مطیع دست به سینه او هستند وقتی که آخوند خاتمی و جنتی به صراحت اعلام می کنند که رئیس شورای نگهبان هم اساسا با حضور اصلاح طلبان در انتخابات مخالف است به وضوح می توان فهمید که انتخابات مجلس هم همانند انتخابات ریاست جمهوری بازی فریبنده ای بیش نیست. کمیته ای که تشکیل شده است به نام گروه ۸+۷ وحدت اصولگرایان نام گذاری شده است، کمیته ۷ نفره داور: دو نماینده از جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دو نماینده جامعه روحانیت مبارز، که حداد عادل، علی اکبر لولایی و عسگر اولادی هستند و کمیته هشت نفره اجرائی: دو نماینده جبهه پیروان خط امام و رهبری، دو نماینده جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی، دو نماینده جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی، یک نماینده علی لاریجانی که در حال

حال تحریمها را بی اثر خواند. وی همچنین ادعا کرد: ما توانستیم از محدودیتها و تحریمها به پیشرفت هایی دست پیدا کنیم که کشورهای منطقه در طول سالهای متمادی نتوانستند به آن دست پیدا کنند. افزایش تورم و بیکاری و گسترش فقر از مسائلی است که تحریمها در تشدید آن موثر بوده اند. گناه این تحریمها تنها بر عهده تحریم کنندگان است یا کسانی که با سیاست های خود که برای حفظ قدرت زمینه تشدید تحریم را فراهم می کنند؟ جامعه جهانی به لحاظ نظری توانایی این را دارد که از طریق تحریم، کشوری را کاملا فلج کند و قدرتمندانش را به راهی که می خواهد بکشد، به این ترتیب بحث سودمند بودن یا نبودن تحریم می تواند تا زمانی که تحریمی وجود دارد ادامه یابد. تحریم اگر تاثیری نداشت اینقدر از آن صحبت نمی شد. با قطع کامل خرید نفت از ایران و تحریم بانک مرکزی شاید حکومت اسلامی چند ماه بیشتر دوام نیابد. اما کشورهایی چون چین و روسیه، مانع شدت گرفتن آنها نیز بوده اند. طبق نظر یکی از مقامات آمریکایی که اظهار داشته است در دور جدید تحریم های ایالات متحده آمریکا بانک های تجاری ایرانی و شرکت های پوششی هدف قرار می گیرند، این مقام معتقد است که دامنه تحریم های تازه به دلیل مخالفت روسیه و چین به بخش های حساس اقتصادی در ایران گسترش نخواهد یافت و گزینه های کمتری در اختیار ایالات متحده باقی می ماند.

نتیجه این که آمریکا بر اجرای دقیق تر و کارسازتر تحریم های کنونی و همراه کردن دیگر کشورها برای افزایش فشار بر جمهوری اسلامی متمرکز خواهد شد.

این مقام ایالات متحده می گوید: ما تمام تلاشمان را می کنیم تا همه ی مجراهای موجود را ببندیم. تحریم های ایالات متحده آن قدر گسترده اند که تقریباً عرصه ای به جز صنایع نفت و گاز ایران از دایره ای آنها خارج نمانده است این مقام اعتقاد دارد که بدون اعمال فشار بر این عرصه های مهم (بانک مرکزی و صنایع نفت و گاز) نتیجه ای بیش از آنچه تا کنون حاصل شده، به دست نمی آید او با تأکید بر این که تحریم های کنونی نیز ایران را تحت فشار گذاشته است، ابراز امیدواری می کند که گزارش جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی نظر چین و روسیه در مورد برنامه هسته ای ایران را تغییر دهد.

حاضر رئیس مجلس است و یک نماینده قالیباف. اگر نگریم نگاهی به اسامی این کمیته بی اندازید متوجه خواهید شد که همه این افراد به وسیله خامنه ای بر سر ریاست ابلاغ شده اند و به درجه و مقام و ثروت رسیده اند و خامنه ای را ولی فقیه و ولی امر مسلمین و ولایت رسول الله می پندارند، در چنین شرایطی چه انتظاری می توان از همچین کمیته ای داشت جز اطاعت کردن از دستوری امرشان، اما بحث و سخن مردم بر سر اصولگرایان و اصلاح طلبان نیست زیرا که هر دو قطب فقط به فکر منافع و چپاول و بلعیدن از گوشه ای از خاک آن مملکت هستند و نه به فکر ملت مگر این نماینده هاهمان ترسو و بز دلانی نیستند که تا ولی امرشان پشت تریبون اعلام کرد که اختلاس سه هزار میلیاردی را که حق مردم بوده را کش ندهید، سوالات خودشان را فقط سوالات خودشان را نه چیز دیگری را، از واهمه اینکه خللی در رابطه با رهبرشان ایجاد شود پس گرفتند، آن وقت چطور امکان دارد این عروسک های خیمه شب بازی که ابزارشان دست کس دیگریست بتوانند حرف مردم را بزنند. تنها نماینده ها و رئیس مجلس بلکه تمامی روسای ارگانها و روسای سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه و تمامی نهادها گوش به فرمان ولی امرشان هستند و بس، پس نتیجه می گیریم که همه این جنجالها بازی سیاسی کثیفی بیش نیست که باز هم مردم بی گناه آن مرزو بوم باید تابانش را با تورم، ناهنجاری، بیکاری و فساد باید پس بدهند، انتخابات قلب مردم سالاری است و انتخابات یعنی همه مردم با همه سلیقه ها و همه گرایش ها با همه قومیت ها با همه سلیقه ها و گرایش های اعتقادی و سیاسی که بتوانند شرکت کنند و رای بدهند. تنوع قومی و فرهنگی یک واقعیت است و احترام به حقوق و جایگاه اقوام و فرهنگ ها باید رعایت شود، نهادهایی که روی کار می آیند در مقابل مردم مسئول باشند و مسئولیت خودشان را باید بشناسند و این مسئله مورد خواست است. در حال حاضر توازن قدرت به گونه ایست که تغییرات به سود کانون قدرت می باشد و نه مردم، در حکومت اسلامی خامنه ای است که تصمیم می گیرد، دستوری دهد و اجرا می کند، مردم در این نظام هیچ اختیاری از خود ندارند و هر چه هست ولایت فقیه است و طبق تفکرات آنها ولی فقیه صاحب جان و مال و ناموس مردم است و صاحب اختیار آنهاست.

به امید روزی روشن و به امید روزی که ایرانی داشته باشیم که تصمیم گیرنده خود توده های مردم باشند و آینده را رقم بزنند، نه یک دیکتاتور خون آشام.

به امید آن روز

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**



این تصمیم بدنبال قوانین بازگشت اتحادیه اروپا در سوئد به مرحله اجرا گذاشته می شود. حزب محیط زیست سوئد ( سبزها ) موفق شد که با این توافق ، کوتاهترین زمان ممکن ( یکسال ) را جهت ممنوع ورود کردن متقاضیان پناهندگی به کشورهای شکن وارد قوانین سوئد نماید. همچنین در پیشنهادی که از سوی شورای تغییر قوانین در روز جمعه ۱۸ نوامبر تسلیم دولت سوئد شده است ، زمانی که یک متقاضی پناهندگی که به درخواست پناهندگی خود پاسخ منفی گرفته است میتواند در بازگشت بماند نیز تعیین شده است. بنابر این پیشنهاد ، یک متقاضی پناهندگی دارای تصمیم منفی در مرحله اول می تواند تا دوماه در بازداشت نگاه داشته شود . این زمان می تواند در مرحله بعدی و تحت شرایطی تا ۱۲ ماه افزایش یابد. تویاس بیلستروم ، وزیر مهاجرت سوئد در این رابطه گفت که در رابطه با کودکان استثنائاتی پیش بینی شده است.

### بدنبال اشتباه پلیس سوئد: ایرانی ۵۳ ساله گرفتار در زندانی در بغداد

سال گذشته پرونده یک مرد ۵۲ ساله تبعه ایران پس از دریافت تصمیم منفی به درخواست پناهندگی خود در سوئد طبق روال مرسوم از سوی اداره مهاجرت در اختیار پلیس قرار داده شد تا ترتیبات اخراج وی از سوئد به ایران داده شود. این متقاضی پناهندگی ۵۳ ساله که در سال ۲۰۰۲ در سوئد تقاضای پناهندگی کرده و تا زمان اخراجش بمدت ۸ سال در سوئد بسر برده بود، در اکتبر سال قبل (۲۰۱۰) از سوئد اخراج شد. وی که تصور می کرد به کشورش ایران اخراج خواهد شد سرانجام متوجه شد که پلیس برخلاف تصمیم صریح اداره مهاجرت که کشور اخراج وی را ایران تعیین کرده بود وی را به عراق اخراج نموده است.

ادامه

گویا مردم یکسری اعتراضهایی می کنند و درگیریهایی هم با پلیس به وجود آمده است. دیشب که اصلاً برق هم نبود و سرمای عجیبی بود. کسی در خانه هم نمی توانست بخوابد. ما که اصلاً چادری هم نداشتیم، دیوار حیاط خانه مان هم که خراب شده بود. بنابراین رسماً توی کوچه خوابیدیم.

دوستانم که برای خرید بلیت رفته بودند، تقریباً برای هیچ شهری نه بلیت هواپیما و نه بلیت اتوبوس نبوده است. هیچ چیزی نیست و اینکه فعلاً وضعیت شهر خیلی بحرانی است. مغازه ها بسته است و امکان خرید ملزومات زندگی هم وجود ندارد. سازمان ملل دست اندرکار خارج کردن کلیه پناهندگان و پناهجویان از شهر وان و اسکان دادن آنها در بقیه شهرهاست. حالا اینکه این امر به تمامی صورت گیرد و اصلاً چقدر برای خود پناهنده ها این امکان وجود داشته باشد، نمی دانم. سازمان ملل یک دور اینجا هزینه کرده اند و خانه و زندگی برای آنها تشکیل دادند. نمی دانم حالا دوباره بتوانند این کار را در یک شهر دیگری انجام دهند یا خیر؟ در ترکیه قانونی وجود دارد که پناهجویان نمی توانند خودشان شهر محل سکونتشان را انتخاب کنند بلکه دولت برای شان انتخاب می کند. بعد از زلزله ما با وزارت خارجه ترکیه برای انتقال پناهجویان به شهرهای دیگر تماس گرفتیم و دولت ترکیه با این ایده با دو شرط، انتقال داوطلبانه و برنامه ریزی شده، موافقت کرده است. این مشکل بزرگی است. از طرفی اگر پناهجویان در شهر وان بمانند از کمک های سازمان های مختلف و دولت ترکیه برخوردار خواهند بود و از طرف دیگر بسیاری از پناهجویان از نظر روحی صدمات زیادی دیده اند؛ هم از فرار و مهاجرت اجباری و هم از شرایط بعد از زلزله.

### ممنوعیت ورود به ۲۵ کشور شکن برای متقاضیان پناهندگی که داوطلبانه سوئد را ترک نکنند

بنا بر توافقی که روز پنجشنبه ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱ ، مابین دولت دست راست سوئد و حزب محیط زیست ( سبزها ) صورت گرفته ، آندسته از متقاضیان پناهندگی که به درخواست پناهندگی خود پاسخ منفی گرفته اند ، چنانچه داوطلبانه در مدت چهار هفته به کشور خود باز نگردند ، بمدت یکسال به کل کشور شکن ممنوع ورود خواهند شد.

### مشکلات پناهندگان ایرانی در شهر زلزله زده وان

روز چهارشنبه نهم نوامبر، شهر وان، در جنوب شرقی ترکیه دوباره با زمین لرزه ای ۶.۵ ریشتری به لرزه درآمد. در این زلزله، ۲۵ ساختمان فرو ریخته شد و چندین کشته و زخمی بر جای گذاشت. این زلزله در پی زلزله ۲.۷ ریشتری که روز ۲۳ اکتبر امسال اتفاق افتاد، صدمات بیشتری به شهر زده است و مردم شهر را به گفته ساکنانش پریشان کرده است.



شهر وان به خاطر هممرز بودن با ایران، محل سکونت بسیاری از پناهجویان ایرانی است. رضا قاضی نوری، فعال دانشجویی و دانشجوی اخراجی دانشگاه تهران، یکی از پناهجویان ایرانی ساکن شهر وان و مسئول پناهندگان سازمان ملل بخش ترکیه، از شرایط این شهر و پناهجویانش اینگونه می گوید: در کل از زلزله دفعه قبل خیلی ها برنگشته بودند. تازه بعد از سه هفته مردم داشتند چادرها را جمع می کردند و با آرامش، خوبی و خوشی می رفتند به خانه های شان که زندگی کنند، که یکباره این زلزله آمد و دوباره همه چیز به هم ریخت. خیلی از خانه ها خراب شد. یعنی حداقل آماری که من شنیدم این است که ۲۵ خانه خراب شده. هتل بایرام هم که محل سکونت خیرنگارها بود خراب شده است. دوستانم که به مرکز شهر رفته بودند این خبر را آوردند که درگیری هایی هم در سطح شهر هست. ما نه زبان بلدیم و نه اگر جایی امکاناتی بدهد باخبر می شویم. اصلاً این چادرها که دولت ترکیه توزیع می کند، تا جایی که من می دانم، به پناهجویان نمی دهند. یعنی من پناهجویی را نمی شناسم که تا حالا چادر امداد گرفته باشد. کلاً هم آنچنان رسیدگی ای که شما تصور می کنید، به کل شهر وان نشده است.

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## ادامه مطلب: اشتباه پلیس سوئد

از آنجائیکه ایران تنها اخراج شدگانی که خود مایل اخراج به ایران باشند را مورد پذیرش قرار می دهد مقامات پلیس سوئد خودسرانه تصمیم گرفتند که وی را بر خلاف تابعیت ایرانی اش، و بدون اینکه وی را مورد پرسش قرار دهند، به عراق کشوری که وی بیش از سی سال قبل و در زمان رژیم صدام حسین از آن رانده شده بود اخراج نمایند. مقامات عراقی برخلاف مقامات ایرانی اعلام کرده بودند که این مرد اخراجی را مورد پذیرش قرار خواهند داد. به گفته "میکائیل ریبین ویک" رئیس دایره حقوقی اداره مهاجرت پلیس حق اخراج افراد به کشوری غیر از آنچه بصورت کتبی در تصمیم اداره مهاجرت درج شده را ندارد. اینک فاش شده است که این ایرانی ۵۳ ساله نگون بخت از حدود یک سال قبل که از سوئد به عراق اخراج شده در زندان "ال الوایه" پلیس بغداد گرفتار آمده و خطر محکوم شدن به ۱۵ سال زندان وی را تهدید می کند. مقامات عراقی وی را متهم کرده اند که خود را در سوئد "به دروغ عراقی جا زده است". خانم "اما پرشون" وکیل سابق این متقاضی پناهندگی در سوئد که سرنوشت موکل سابق خود را دنبال می کند وضعیت این مرد ایرانی ۵۳ ساله در زندان عراق را رقت آور توصیف کرده و بیان داشته است که حتی غذای کافی در اختیار این مرد قرار نمی گیرد و وضع روحی او در بدترین حالت ممکن قرار دارد. تنها خواهر این مرد، که در سوئد اقامت گرفته است، موفق به مسافرت به عراق و دیدار از بردارش در زندان شده است. خانم "اما پرشون" تاکید می کند که در هیچ بخشی از پرونده ۸ ساله این متقاضی پناهندگی کلمه ای از کشور عراق درج نشده و تابعیت او در همه جا بصورت واضح ایرانی ثبت شده است. با این وجود و در حالیکه در تصمیم اخراج اداره مهاجرت سوئد نیز کشور اخراج صراحتاً ایران درج شده اما پلیس بصورت کاملاً خودسرانه، والیته بر خلاف قوانین و مقررات جاری، این مرد را برخلاف میلش به عراق اخراج کرده است. این وکیل سوئدی اینک از پلیس ایالت یه وله بوری، پلیس ایالت استکهلم و نیز پلیس مرزی استکهلم بواسطه این اشتباه به کارگزار عالی حقوقی پارلمان (ی او) شکایت برده است. در شکایت این وکیل آمده که پلیس بصورتی

کشورهای مطبوعشان باز گذشته اند، دقیقاً به کشورهایهایی که از آنها طبق گفته خودشان گریخته اند. این عمل با هویت آنان در سوئیس در تضاد می باشد. از این گذشته اکثر این پناهجویان با اقامت موقت در آغاز سوسیال بگیر هستند. طبق جستجوهای رادیو مذکور سفر به کشور مطبوع خود را اکثر پناهجویان ترک، عراقی و بالکانی مرتکب شده اند. در راستای جلوگیری از این گونه سفرها (منظور سوء استفاده ها است) دولت عکس العمل جدی نشان داده است. قوانین خروج / سفر تغییر خواهد کرد. طبق قوانین جدید می بایست اجازه سفر برای پناهجویان با اقامت موقت در موارد استثنایی صادر شود و صدور این اجازه نامه مستلزم بررسی دقیق دلیل سفر می باشد.

دبیر کل "سازمان کمک به پناهندگان" (۶)، آقای بیت میسر (۷) اقدامات دولت را غیر عملی و ناعادلانه قلمداد می کند: " این اقدام تبعیض آمیز است و موجب به بن بست لیبرالیزه نمودن میشود. ۹۵ درصد پناهجویان با اقامت موقت سالها در سوئیس می مانند و آنها نیز می بایست اجازه سفر داشته باشند، تا بتوانند مثلاً خانواده های جا مانده در کشور مطبوعشان را ملاقات کنند.

به روزنامه "بلیک در شب" (۸) جچیم گرس (۹) رئیس اطلاعات اداره مهاجرت می گوید: " موضوع پناهندگان با اقامت موقت متفاوت است با موضوع متقاضیان پناهندگی (۱۰). پناهندگان با اقامت موقت اکثراً کسانی هستند که تقاضای پناهندگی شان قویا رد شده است و استرداد آنها به کشور مطبوع شان در حال حاضر امکان پذیر نیست. "

ترجمه این متن توسط مهدی رضائی و تحت اللفظی صورت گرفته است. این خبر در تاریخ ۱۸ نوامبر ۲۰۱۱ در روزنامه "بلیک در شب" چاپ شده است.

- 1- Vorläufig Aufgenommene
- 2- در این گزارش تفاوتی بین اقامت موقت سیاسی و اجتماعی دیده نمیشود.
- 3- Michael Glauser
- 4- Bundesamt für Migration
- 5- DRS
- 6- Schweizerische Flüchtlingshilfe (SFH)
- 7- Beat Meiner
- 8- Blick am Abend
- 9- Joachim Gross
- 10- Asylbewerber

خودسرانه موکل وی را در اولین کشوری که وی را پذیرفته "مانند آشغال به بیرون پرت کرده است". پلیس مرزی استکهلم در طی یک نامه توضیحی به کارگزار عالی حقوقی پارلمان گناه این اشتباه را به گردن پلیس ایالت یه وله بوری انداخته است. پلیس ایالت یه وله بوری اشتباه خود را پذیرفته است اما در پاسخ خود به کارگزار عالی حقوقی پارلمان (ی او) بخشی از گناه این اشتباه را بر عهده مرد ۵۳ ساله ایرانی انداخته است که "چرا هنگام اخراج هیچ اعتراض و مخالفتی از خود نشان نداده است". در این میان مشخص نیست که چه ارگان و سازمانی وظیفه کمک به این مرد ۵۳ ساله بی گناه را بر عهده دارد که بواسطه اشتباه مقامات سوئدی از مدت یک سال قبل تاکنون در بدترین شرایط ممکن در زندانی در بغداد گرفتار آمده و آینده تاریک و شومی نیز در پیش روی وی قرار گرفته است. وزارت امور خارجه سوئد از وضعیت پیش آمده ابراز تاسف کرده است اما همزمان اعلام نموده که سوئد نمی تواند در رابطه با یک تبعه غیر سوئدی که در خارج از مرزهای سوئد گرفتار آمده اقدامی صورت دهد. وزارت امور خارجه سوئد سرنوشت این مرد ۵۳ ساله ایرانی را موردی برای دولتهای عراق و ایران می داند. این در حالی است که این مرد ایرانی بواسطه اشتباه مقامات سوئدی در این وضعیت گرفتار آمده است.

### متقاضیان پناهندگی به سوئیس حقه میزنند!

متقاضیان پناهندگی در کشورهای مطبوعشان به تعطیلات مشغولند؛ در کشورهایی که آنها ظاهراً تحت تعقیب هستند.

تقریباً یک سالیست که "پناهجویان با اقامت موقت" (۱) (۲) میتوانند بدون ذکر دلیل به خارج از کشور سفر کنند. در حال حاضر ۴۸۳ ۲۳ نفر با این اقامت در سوئیس زندگی میکنند. ۲۵۰۰ نفر از آنان تقاضای اجازه نامه سفر نموده اند. تعدادی از این افراد از این اجازه نامه سوء استفاده های شخصی نموده اند. میخائیل گلوئر (۳) از اداره مهاجرت (۴) به رادیو "در س" (۵) میگوید: "سوء استفاده هایی از این اجازه نامه ها ثابت شده است." صدها پناهجو با اقامت موقت به

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## دلشاد روانبخش رسولی

## گر لافِ عشق می‌زنیم

گر لافِ عشق می‌زنیم، جان را چه حاشا  
می‌کنیم؟  
صد دشنه از عاشق کشان، خوردیم، تماشا  
می‌کنیم؟  
در راه آزادی عزیز، صد لاف حرفی بیش  
نیست.  
انسان میدان عمل، در فکر نفع خویش نیست.  
چون در دیار و خانه ایم، هم پيله و هم لانه  
ایم.  
زندان مذهب پيله مان، گر بر دریم پروانه  
ایم.  
گر در سرای غربتیم، بی هم زبان و حرمتیم  
طماع و بی وجدان شو، ما وارث آن تربتیم  
از دست گفتاران هیز، جام تباری را ننوش  
با وعده چربی لذیذ، رخت غلامی را نپوش  
از پشت مانیتور مگو، لعنت به قوم غاصبان  
عازم به میدان عمل، بشکاف با مشت آسمان  
فرصت به بی فرصت بده، چادر ز فرصت  
خر بدر  
فردی به نفع جمع باش، جمعی به نفع حق  
بخر  
اینجا ته دنیاست مگو، در است و بی همتاست  
مگو  
اصل خودت دریای در، ایران کجا دریاست  
مگو  
ماییم مثال آن درخت، کز ریشه کندنش شبی  
گفتند ادغام می‌شوی، با گنبد یک مرقدی؟  
طعم حقیقت تلخ و ما، با هم تعارف می‌کنیم  
درب روابط بر هم و، هم میهنان قفل می‌کنیم  
تا اینکه تبدیل می‌شویم، به وصله‌ای بر قالبی  
آنهم نه از جنس خودش، از جنس پست خارجی  
من گم‌هم روشن کن‌ام، غربت نشینی حق  
ماست؟

با خاک زر خیز، آن وطن، حق من این منت  
سراست؟  
از بیم جان بر خفت، زندان مذهب تن چرا؟  
آینده را ویرانه‌ای، بیگانه با رستن چرا؟  
ایران درختی پُر بر است، قد وقت آفت خم  
چرا؟  
هم ریشه‌ها هم بیشه‌ها، شیران جدا از هم  
چرا؟  
خواهی که فردا عبرت، تدریس تاریخ ما  
شویم؟  
بی عرضگان برهه، تاریخ این روزها شویم؟  
طبق وصایای کهن، ما وارثان این دیار  
باید ز اهریمن صفت، خاکستری بر جا نهیم  
وقتش رسیده هم وطن، تا ختم بر فتوا دهیم  
فتوای اینان تفرقه، هم نیش صدها عقرب  
کسری ز غارت‌هایشان، با پول نفت هم مبلغ  
اینان مثال عقرب اند، آماده در بالین ما  
بالین خواب آتش بکش، بیدار باش آیین ما  
هر کس که دد خوئی کند، بد خو تر از او  
می‌شویم  
ایران سرای رستم است، انبوه و هم سو  
می‌شویم  
از پشت مانیتور چرا، لعنت به قوم غاصبان؟  
عازم به میدان عمل، بشکاف با مشت آسمان  
فریاد اخم هر پدر، سفیر بغض مادران  
ماییم و امیدها به ماست، کر گوش دنیا کن  
چنان  
کز انعکاس دادها، لرزد تن جلادها  
و آن خلق خود چون ناخدا، یابد مسیر بادها  
در راه آزادی عزیز، صحبت کلامی بیش  
نیست  
انسان میدان عمل، در فکر جان خویش نیست  
استانبول، تیر ماه ۱۳۸۶، ژوئن ۲۰۰۷

## احمد شاملو

## مه

بیابان سراسر مه گرفته است  
چراغ قریه پنهان است  
موجی گرم در خون بیابان است  
بیابان خسته  
لب بسته  
نفس بشکسته  
دره‌ذیان گرم مه عرق می‌ریزدش  
آهسته از هر بند  
بیابان را سراسر مه گرفتست  
می‌گوید به خود عابر  
سگان قریه خاموشند  
در شولای مه پنهان، به خانه می‌رسم.....  
گل کو نمی‌داند  
مرا ناگاه در درگاه می‌بیند.  
به چشمش قطره اشکی بر لبش لبخند  
خواهد گفت  
بیابان را سراسر مه گرفته است.....  
با خود فکر می‌کردم  
که مه گر همچنان تا صبح می‌پایید  
مردان جسور از خفیه گاه خود به دیدار  
عزیزان باز می‌گشتند  
بیابان را سراسر مه گرفته است  
چراغ قریه پنهان است  
موجی گرم در خون بیابان است  
بیابان خسته  
لب بسته  
نفس بشکسته  
در هزیان گرم مه عرق می‌ریزدش  
آهسته از هر بند.

## محمدمتقی بهار اندیشه ای که خزان نداشت



در هر کجای این جهان صدای اندیشه های آزادیخواهی از گذشته تا کنون جاریست. قوام این جریان منوط به مطالعه، شناخت و پیدا نمودن بینش، جهت ایستادگی در طوفانهای فرهنگیست، که هرآینه سکوت ما در نابرابری ها، خاموشی شعله های این جریان است درحکایتی دیگر بایسته است.

بشناسیم یکی از صداهایی که مبارزات ضد دیکتاتوریش در ایران، بواسطه نفوذ عوامل قدرت طلب داخل و خارج سرکوب گردید، اما شعله اندیشه او در تضاد با استبداد، روشنی راه آیندگان شد. محمد تقی بهار متخلص به ملک الشعراء بهار، نهالی بود از افکار دموکراسی که با آبیاری در خانواده ای که از علم و دانش بهره می بردند به بار نشست. آن چنانکه بواسطه طبع ادیبش به دربار قاجار راه یافت، اما هیچگاه اندیشه مصلحت اندیشی و حفظ منافع خود در دربار، مانع از اقدام به مبارزه علیه استبداد دوران خود نشد. در حقیقت دیده خود را بر حقایق نسبت تا دیدگان مردمش را باز کند. علیرغم بوجود آمدن زمینه های تجارت و کسب درآمد، تمایلی به ورود در این مسیر نشان نداد تا افکار آزادیخواهیش برای مبارزه، دچار مصالح مالی و شخصی نشود. از اینرو جوانه های این نهال، در سن بیست سالگی با پیوستن به مشروطه خواهان خراسان و راه یابی به انجمن سعادت رشد نمود. آرامش درونیش با مبارزه علیه بی عدالتی معنی می یافت. مبارزه ای که با ورود به عرصه نگارش روزنامه جلوه گر شد. بهار در سال ۱۳۲۸، روزنامه نوبهار را که حاوی افکار حزب دموکرات بود منتشر کرد و به

عضویت کمیته ایالتی این حزب درآمد. اما دریغ اینجاست که در غالب موارد دخالت منفعت طلبان خارجی، جامعه مصالح کشور رامیپوشد و تحت عنوان مقابله با اغتشاش، در پیسبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود می کوشد. روزنامه بهار که روی سخنش با مردم و دفاع از آزادی آنان بود بواسطه مقالات تند علیه دخالت های بیگانگان، بویژه دولت روس و به دلیل مخالفت با حضور قوای این کشور در ایران و افشای سیاست آن دولت، به دستور کنسول روس تعطیل شد. اما روحیه مبارزه اش سکوت پذیر نبود و روزنامه دیگری به عنوان تازه بهار، نگاشته و منتشر کرد این روزنامه نیز به دستور وثوق الدوله (وزیر خارجه وقت) تعطیل و بهار نیز دستگیر شده و به تهران تبعید گردید. این جریان فکری، پایندگی را با انتخاب در نمایندگی مجلس سوم شورای ملی و پانهادن به عرصه مبارزات پارلمانی اعلام نمود. یکسال بعد دوره سوم روزنامه نوبهار را در تهران منتشر کرد و این بار نیز همچنان با عضویت در حزب دموکرات و بنیان نمودن انجمن ادبی دانشکده و راه اندازی مجله این دانشکده، جریان مزبور را تقویت نمود، که این موضوع باعث پدید آمدن مکتب تازه ای در نظم و نثر سیاسی بود و در این میان عده دیگری از اهل قلم با این مجله همکاری نمودند. روزنامه بهار که رسالتش، فریاد مردم حق طلب در قالب ظلم ستیزی بود، بارها با دخالت سفیران روس و انگلیس توقیف شد. در این خلال، بهار با سرودن قصایدی، نسبت به توقیف جریده ای که متعلق به ائتلاف جامعه است اعتراض نمود. کودتای سال ۱۲۹۹ موجب خانه نشین شدن بهار به مدت ۳ ماه شد، اما چندی بعد که زندانیان رژیم کودتا آزاد شدند و قوام السطنه نخست وزیر شد، بهار به نمایندگی مجلس چهارم انتخاب شد تا بار دیگر نقشش را در مبارزات با فشارهای سیاسی وقت ایفا نماید. در مجلس پنجم می دانست که جمهوری رضا خان منجر به دیکتاتوری می شود و همچنان در حمایت از مردم با این موضوع مخالفت نمود.

بهار به تیز هوشی در یافته بود که رضاخان در ابتدا هدفش از عنوان جمهوری، جلب رضایت مردم است و در حقیقت این عنوان وسیله ای است برای تثبیت قدرت دیکتاتوریش و خارج نمودن مخالفانش از میدان. که این مخالفت به محدودیت فعالیتها و مبارزات سیاسی بهار منجر شد. بهار همچنان در طول زندگی سیاسی خود با جو بی عدالتی مبارزه می کرد و در تنویر افکار عامه می کوشید که در نهایت این موضوع به طبع قدرت مداران خوش نیامد و موجب زندانی شدن بهار گردید. او پس از آزادی در سال ۱۳۱۲ بدون در نظر گرفتن کینه های شخصی، با هدفی بزرگتر جهت دستیابی مردم به آزادی بیان و آگاهی برای انتخاب، قصیده ای به نام حب الوطن به منظور ترغیب و در نظر گرفتن حقوق مردم، خطاب به شاه سرود تا او نیز چون پدرش راه دیکتاتوری را پیشه نکند و در مسیر جدید، خواسته های توده را در نظر داشته باشد. بهار، نشر مجدد روزنامه نو بهار را از سر گرفت و در اقدامی تازه، نسبت به نگارش تاریخچه احزاب سیاسی اقدام نمود تا نگرش سیاسی مردم نسبت به دیگر تفکرات و گرایشهای فکری رشد یابد.

علیرضا حسنی

**بدانیم، بیانیشیم، بپاخیزیم!**

## اعضای کانون دمکراتیک پناهندگان برآند که:

- جمهوری اسلامی به عنوان سد و مانع مبارزات رهایی بخش مردم ایران در جهت رفع ستم طبقاتی و استثمار فرد از فرد، محکوم به نابودی است و باید در وحدت عمل مبارزاتی با مبارزان دلیر داخل کشور به زباله دان تاریخ سپرده شود. سرنوشتی رژیم اسلامی در تمامیت راه حل کنونی برای برقراری دمکراسی در ایران است.
- هرگونه دخالت خارجی چه از طریق اتحادیه اروپا و چه از طریق آمریکا، با قاطعیت مبارزاتی مردم ایران روبرو خواهد بود و درمورد حکومت آینده ایران فقط مردم ایران تصمیم خواهند گرفت نه بیگانگان که همیشه به فکر اپوزیسیون دست ساز برای خلق های محروم جهان هستند.
- هرگونه تجاوز نظامی به ایران را محکوم می کنیم و علیه تجاوز توسعه طلبانه و استعماری ایستاده ایم.

### مسئولین ماهنامه

مدیر مسئول:

هیئت اجرایی کانون دمکراتیک پناهندگان

سردبیر: خسرو حسنی

هیئت تحریریه:

علیرضا حسنی، کامبیز فرمانبر، مهدی رضائی

دلشاد روانبخش رسولی

رادیو ندای مقاومت

رادیوی کانون دمکراتیک پناهندگان

<http://www.nedaye-moghavemat.ch>



پناهجویان، پناهندگان و ایرانیان آزاده، جهت ارسال خبر برای نشریه کانون، می توانید با شماره تلفن های مسئولین کانون دمکراتیک پناهندگان تماس بگیرید.

### ارتباط های کانون

برای ایجاد ارتباط با کانون، اطلاع رسانی از اوضاع پناهندگان و تقاضای عضویت در کانون، با پست الکترونیکی و تلفن های زیر تماس بگیرید.

- کانتون زوریخ: حمید عبدالقفاری ۰۷۸۳۰۳۰۹۸۳
- کانتون برن: ناصر مومنی ۰۷۸۷۶۱۰۲۳۲
- مسئول شهر برن: مهناز کیانی ۰۷۶۴۲۲۷۸۱۵
- کانتون سولوتون: عباس بهادری ۰۷۹۲۳۰۶۹۵۲
- کانتون بازل: ارسلان پناهی ۰۷۹۳۸۷۷۳۴۷
- کانتون لوتسرن-شوویتس: اصغر طهمورثی ۰۷۶۲۶۴۳۳۱۶
- کانتون سن گالن: صادق انشانی ۰۷۸۷۴۸۴۴۵۹
- کانتون آرگانو: فریبرز معینی ۰۷۹۸۵۳۶۹۶۲
- کانتون شاف هازن: فواد جهانی ۰۷۶۴۰۲۲۳۴۳
- کانتون نوشاتل: رضا بهرمین ۰۷۹۸۴۴۱۵۴۰
- کانتون فرایبورگ: محمد زلالی ۰۷۸۶۵۶۶۷۱۹
- کانتون اب والدن: ابوالقاسم فرج اله ۰۷۶۳۹۶۴۴۳۲
- بخش زنان: لیلا محمد قلی خانی ۰۷۸۶۷۴۲۵۱۰

پست الکترونیکی و سایت کانون:

[www.kanoun.ch](http://www.kanoun.ch)

[info@kanoun.ch](mailto:info@kanoun.ch)

آدرس پستی، تلفن و فاکس مسئول کانون:	آدرس بانکی جهت کمک مالی:
Postfach 3562 Zürich 8021	Postbank Konto: 87- 441728 -5 Demokratische Vereinigung für Flüchtlinge (DVF)
Tel: +41-079 402 6409 Fax: +41-043 535 6159	

**بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!**

## تصاویر تظاهرات ایستاده در شهر بادن

۲۶ نوامبر ۲۰۱۱



اتحاد ، مبارزه ، پیروزی